

## توده‌ها برمی‌خیزند رژیم از پای می‌افتد

ما قومی مرگ رژیم نواخته می‌شود .  
ورزشکشی اقتصادی - سیاسی  
جمهوری اسلامی از چند متعارف که  
پسود بر آن سرپوش گذاشت و آنسرا  
نارید و گرفت ، درگذشته است .  
در نمای تشبیه رژیم ، هرروزه و بیشتر  
در رهش جشنان حکام تیره‌وار میشود .  
در همه‌فرصه‌ها ، حکومت مرگ محتوم  
تاریخی خود را تجربه میکند . پسران  
اقتصادی به‌شمار می‌روایا اقتصاد  
جامعه‌سرایت گرد می‌شود تا می‌باشد ،  
رژیم ، اما ، با سیاستهای عقب ماند  
خود ، نه تنها نتوانسته از شدت بحران  
بکاهد ، بلکه خود آتش بحران را ، در  
جهش‌تردد امن می‌زند ، بی‌کاری ، ترانی ،  
رگود ، ورزشکشی ، هرج و مرج و از هم  
گسیختگی اقتصادی جامعه می‌آفریند  
است . تروریسم رسمی و بی‌ان می‌رکوب  
اختناق ، بازداشت و اعدام ، هتک  
حرمت نسبت به ابتدائی ترین حقوق  
بشری و کلاً از محلال سیاسی - فرهنگی  
هر آنچه بنام "تمدن وجود دارد ،  
قانون اساسی جمهوری اسلامی گذشته  
است .  
بقیه در صفحه ۲

## بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ① در صفحه ۴

نست دوم

## پیش‌نویس

## قانون ارتجاعی کارآئینه تمام‌نمای رژیم (استخدا م)

با سیاست جلب سرمایه‌داران به  
سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی موسسات  
تولیدی به هر شیوه‌ای متوسل میشود .  
از آنکه پیش‌نویس قانون کار نیز در رژیم  
همین شیوه‌هاست . تلاشی اسلامی  
در جهت افزایش هرچه بیشتر استثمار  
کارگران و  
بقیه در صفحه ۳

در کار شماره ۶۰ در نوس کلی پیش  
نویس قانون ارتجاعی کار را مورد گزینایی  
قرار دادیم . در آنجا گفتیم که رژیم  
برای مبارزه با بحران حاد اقتصادی -  
اجتماعی ، از یکسوی سیاستهای قرون  
وسطائی به سرکوب ابتدائی شریکین  
سقوط بشری پرداخته و از سوی دیگر ،

## سیر تحولات مبارزات کارگری

جلسات مخفی کارگری تشکیل شده و  
در باره موقعیت فعلی ، چشم‌انداز  
آتی و تاکتیک‌ها به بحث و تبادل نظر  
می‌پردازند . کارگران در تدارک برپایی  
اعتصاب عمومی  
بقیه در صفحه ۸

گزارشات واصله از کارخانه‌ها و محله  
همان نشانگر اینست که مخفی جنبش  
مبارزاتی کارگران و توده‌ها در حال  
صعود است . توده‌ها فرورخته و او همه  
شعبه از سرکوب و خشکانه رژیم در  
حال از بین رفتن است . شعله‌های  
خشم کارگران در هر کارخانه زیان‌سه  
سکشد . کارگرانی ، بد و از چشم  
جاسوسان و ارگانهای حکومت ، مشغول  
جمع‌آوری کمک مالی برای رفیقان دستگیر  
شده و اخراجی هستند . در کارخانه‌ای  
در بکر ، کارگران جاسوسان و مسئولین  
در دستگیری و اخراج رفقاییشان را تنبیه  
مینند . در جایی دیگر ، مدبرعامل را  
گروگان گرفته و برای حفاظت از او کار  
سرخ تشکیل میدهند . در کارخانه‌هایی

## در این شماره

### جنبش مقاومت

خلق کرد در صفحه ۱۸

### خطاب به مبلغین

در صفحه ۱۳



## یادداشت‌های سیاسی

در صفحه ۱۸

## توده ها...

بقیه از صفحه ۱

اما اکنون، توده های ملیونی که تحت "طلسم اسلام" به حکومت مذهبی تن داده اند، بر اساس آنچه که این حکومت برایشان بهارمغان آورده است، نه تنها از حکومت جدا شده اند، کمترین جویانه در مقابل آن قرار نگرفتند. "مکتب خمینی" بی حیثیت گشته، رژیم از پایگاه توده های خود جدا شده و بهین بست قدرت، اسد به تشبیه را بر سر آمد میدهد. تشبیه، اینست آن کرگشاه اعلی جمهوری اسلامی که کشاکش بهین جناحهای مختلف حکومتی را از منشور خود میکند راند و بهین بست میکشاند. با این کره کور چه باید کرد؟

فرمان ۸ ماه های "مید بخش و تاریخ ساز" خمینی، جوابی است از سوی "رهبر" در رابطه با این بست حکومتی. در شرایطی که فلاکت اقتصادی و ورشکستگی وی اعتباری سیاسی، شمارش مخکون برای سرنگونی رژیم را سرعت بخشیده است، رهبر نمیتوانست ساکت و همچنان نظاره گر باقی بماند. بهین سید انش کشیدند تا با پیام خود بلکه روح تازه ای در کالبد این نیمه جان رو به موت بندند. اما فصل معجزه ها در بیکسری شده است. "رهبر" خود، بخشی از این کره کور است.

فرمان ۸ ماه های "برزمنه بحران اقتصادی" - سیاسی و در جهت تشبیه رژیم صادر شده و منطق بر راستیای سیاستهاش است که دولت در جهت تعدیل بحران در پهن گزفته است. قبل از این نیز بارها، توصیه ها و سفارشات از سوی رهبر در موارد مختلف و بهیچ مرفوع اختلافات درونی همیات حاکمه صورت میگرفت. اما نتیجه را همچنان قدرت جناحها تعیین میکردند و نه توصیه ها و سفارشات "امام". آیا

اینبار جز این خواهد بود؟ زمینه ای که فرمان خمینی بر مبنای آن استوار است نشان میدهد که این فرمان نه یک "فرمان" بلکه ناله ایست از سرباس و رماندگی.

فرمان برای مقابله با سه مشکل اساسی بهم پیوسته صادر شده است. اول، مقابله با بحران اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی، از طریق کنترل و پاسرکوب ارگانها و نهادهاش که در امر گردش سرمایه اخلاص ایجاد میکنند و بدین طریق ایجاد فضای امن و مطمئن برای سرمایه داران. دوم، مقابله با ناراضی و حرکت های اعتراضی رو به رشد توده ها که در اشهر سیاستهای قرون وسطائی و سلسله

ازاد بهای فردی و اجتماعی تاب و توان را غیر ممکن ساخته و لحظه عصیان را نزد یک ساخته است. وسوم، مقابله با اختلافات بین جناحهای حکومتی که نه تنها کاهش نیافته، بلکه با تشدید فلاکت اقتصادی و چشم انداز از عصیان توده ها، بهر آینه آنها هم افزود شده است.

رژیم برای تعدیل بحران، تاکنون همه شگردهای خود را بکار بسته است. اما نتیجه همان است که بود، یعنی تشدید بحران. حال فرمان خمینی نیز در حقیقت در جهت تأیید و تقویت آن شگردهاست که ناگام ماند است. یک تلاش دیگر برای بارور کردن این سترون، حکومت، بارها، از سرمایه داران دعوت کرد که بیایند و در فضای امن جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کنند، به آنها تضمین داد. برای جلب آنان لایحه حد و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی را گذراند که استعمار را هر گونه که خود صلاح میدانند برای کسب سود بیشتر بکار بندند. همه قوانین دست و پا گیر را چون بهمه باز نشستی استخدا ام رسمی و... بکناری گذارد. سرمایه گذاری را عیار تی خواند که هم در این دنیا سود آور است و هم در آخرت خانه صاحبش را در بهشت مهیا میسازد. اما جارساز نبود. قانون استیجاری کار را تدوین کرد که بهر طبقه آن کارگران را بصورت "مجوری" در اختیار سرمایه داران قرار میدهد تا هر طور که ما بپند با آنها رفتار کنند. قانونی که در دنیا کنونی، از لحاظ عقب ماندگی و ارتجاعی بودن، در هیچ کشوری از جهان سابقه ندارد. اما این نیز جارساز نیست. شام سرمایه فوق العاده قوی است، نا امنی را بسو میکشد و خود را به خطر نمی اندازد. سرمایه های سرگردان همچنان در امر واسطه گری و لابی جویان میکشند زیرا این زمینه ایست که حکومت خود خلق کرده است.

رژیم برای نزدیکی با شیاطین و خروج از این بست اقتصادی، میانتهائی را روانه کشورهای مختلف جهان نمود، و دست استمداد بسوی آنها دراز کرد. میانتهائی به آلمان، ایتالیا، پاکستان، ترکیه و... روانه شدند. و طیفه میانتهائی این بود که به قدرتهای امپریالیستی و کشورهای اسلامی اطمینان دهند که ایران از یک قدرت با ثباتی برخوردار است و تضمین دهند که رابطه با ایران به نفع هر دو طرف است. و لا یتی در دیدار با هیئات الهزامی از زاین گفت: "سرزمین مادر ای منابع انرژی است که مورد نیاز زاین میباشند و زاین نیز از امکانات وسیع

اقتصادی و تکنولوژی برخوردار است و همین سالها میتواند یکی از پایه های اساسی روابط در کشور باشد. (اطلاعات، ۱۱/۸/۶۸). اما اینگونه سخنان در دل سنگ زاین اثری نمیکند ارد و همچنان به "کار شکنی" خود ادامه میدهد. قیلا غرضی وزیر نفت گفتصود: "با تمام کار شکنی های شرکت میتسوئی... اخلاق اسلامی اینطور ایجاب مینماید که وقتی دست شراکت داد ما هم، در نهال شریک دیگری نرویم" (اطلاعات، ۲۸/۱۰/۶۸). این نمونه ایست از خروار، در تمام دوران مبارزات مشعشع ضد امپریالیستی رژیم، این قدرتهای امپریالیستی بودند که خرید نفت را تحریم کردند، که محاصره اقتصاد را برقرار کردند و... در نهایت رژیم مجبور میشد با واسطه های بین المللی رجوع کرده و با حداقل ۳۰٪ اضافه قیمت با آنها طرف معامله شود و با کشورهای اسلامی "قرارداد بپند" که همان کالا های امپریالیستی را با قیمت بالاتر از آنها در ریاعت دارد و با مستقیما با خود قدرتهای امپریالیستی وارد معامله شود، اما با تعدیل آتی بسیار سنگین. غرضی در رابطه با شرکت پتروشیمی ایران و زاین گفت: "ما از سر به آنها احترام گذاشتیم، خسته شد و ایست. با اینحال ما به قرارداد پای بندیم و به پیشنهادات زاین برای اتمام آن در ادامه، ولی جوابی در ریافت نکردیم" (همان). بدینترتیب قدرتهای امپریالیستی نیز با وجود تمام "القاسم دعا"ی "کهریزم" در ادعاهای نایب امن سرمایه و عدم ثبات رژیم، بار از محدود و های پیش تر نمیکند آرند. اکنون رژیم قرارداد های متعدد دی با قدرتهای امپریالیستی منعقد کرده است. اما همه این قرارداد ها اولاً با شرایط سنگینی نسبت به طرف ایرانی قرارداد، از جانب قدرتهای امپریالیستی مورد توافق قرار گرفته و شایباً، قرارداد ها بصورتی است که منافع فوری امپریالیستهارا تامین میکند. به این معنا که به علت عدم ثبات رژیم، آنها حاضر به انعقاد قرارداد هائشی هستند که برگشت سرمایه سریع باشد. و از این بابت هیچ نگرانی بخود راه نمیدهند که مبارد رژیم به سمت دیگری حرکت کند. به عنوان مثال، معاون وزارت امور خارجه آمریکا (مشاور در امور ایران) در پاسخ این سؤال که احتمال نزدیکی رژیم جمهوری اسلامی شوروی و سوسیالیستها به چه میزان است، گفت: "نگران نباشد! ما از نزدیک مراقب اوضاع هستیم! رژیم جمهوری اسلامی اتفاقاً خیلی هم ضد کمونیست است"

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# قانون

بقیه از صفحه ۱

نتیجه تاجیب سرمایه داران برای بهره برداری از سودهای بالا. بی شک هر رژیم سرمایه داری راه و روشی برای استثمار کارگران دارد. جمهوری اسلامی نیز سبک و سیاق خاص خود را دارد. که عصب مانند کسی، خشن بودن، بی حقوقی صرف و بهره وری زیستن استثمار شوندگان از صفات پدیدار آن است. پیش نه پس قانون کار آئینه تمام نمانی است که این صفات را منعکس کرده و بهره وری از چهره کرده رژیم بر می کند.

این پیش نویس را هر چند که آرایش کنند در کم و کیف آن تا شعری نخواهد داشت و مضمون ارتجاعی آن خود را از برای هر آرایشی پنهان می کند. آرایش مجوزگان خود را استانی است. و این چنین است متن پیش نویس قانون کار که در گه گاه ۳۰ ماده هم به حساب رسید. زعمای قوم برای اینکه مساله را لووت کنند و به خیال خود از حدت مقابلت های اعتراضی کارگران بکاهند، به تدبیر لغات توجه شود فقط لغات دیمان پیش نویس را در مریضی تماشا گذاشتند، لغت کارگرد پر را به جای "اجیر" نشانند و "قرارداد کار" را به جای "آچاره". مضمون، اما، همانندی است که بود، و نمیتوانست غیر از این باشد. چرا که پیش نویس قانون کار اسلامی بر اساس احکام الهی تنظیم شده وین شد. و باز بقول توکلی نه فقط نظر برای کارگران (یعنی احیان جمهوری اسلامی) بلکه برای من و وزیر و پاهر بیشتر در گرد خیل نبود و نیست. استدلال محکم است و شرعی و جای هیچگونه شکباتی. در مورد مضمون پیش نویس باقی نمیکند.

بنابر این مانع بر اساس همان مضمون الهی مستتر در پیش نویس قانون کار که در "کار" شماره ۶۰ ارتش و نگار آن را مورد بررسی قرار دادیم، به ادامه بحث درباره سیاستهای کارگری رژیم (پایبهارت صحیح تر سیاستهای ضد کارگری رژیم) بپردازیم، و هر جا که این نظر را وی لازم بود اصلاحات متن پیش نویس منتشر شد را نیز قید میکنیم که آرایش آن را هم حفظ کرده باشیم. در این مقاله، نحوه استفاده و چگونگی آن از نقطه نظر پیش نویس قانون کار که مبتنی بر "اسلام فقهائی" است، مورد

بررسی قرار میگیرد، و مسائل دیگری پیش نویس در مقاله های بعدی ارزیابی خواهد شد.

\* \* \*

جمهوری اسلامی مفاهیم خاص خود را دارد و از استعمال مفاهیم معمول اجتماعی بیزار و فراری است. مثلاً در تمام موارد پیش نویس، به جای کلمه "کارگر" از کلمه "آچاره" استفاده شده است. البته این احتیاز بی دلیل هم نیست، چه این کلمه یک بار اجتماعی دارد، حقوقی را متبادر به ذهن میکند و سازات و رسالتی را در عرصه اجتماعی بیان میکند. آری، فقط همین یک کلمه، اما جمهوری اسلامی از این بار اجتماعی نگران است. رژیم از کارگران میترسد و و این ترس را در عدم استعمال این کلمه نشان میدهد. از اینرو مفاهیم خاص خود را به جای آن می نشانند و استفاده از کارگران را چنین شرح میدهد: در آچاره اشیا و حیوان آچاره دهنده را میخوانند و آچاره میکنند و میگویند و در آچاره اشخاص، کسی که منافع خود را آچاره میدهد اجیر و کسیکه آچاره

میکند مستاجر میباشد. (پیش نویس صفحه ۳). در پیش نویس آرایش شده، عین همین مضمون بکار برفته شده است، منتهی با تغییر کلمات، مثلاً "کارگرد پر" به جای "اجیر"، "قرارداد کار" به جای "آچاره"، و "صاحب کار" به جای "مستاجر". توکلی درباره موارد این پیش نویس میگوید: شکاتی که ارائه شده مبتنی بر نظرات امام و فتاوی فقهای مشهور است (کههان ۱/۱۰/۱۶۱). این گفته توکلی کاملاً درست است، چه در کلمه سالها سالها آچاره بهمان نحو اول مطرح شد و پیش نویس منتشره نیز نمیتوانست مضمونی جدا از آن نداشته باشد. مثلاً در "تبصره المتعلمین، علامه حلی" میخوانیم که "هرگاه آچاره اعیان باشد اعدم از حیوان و غیر آن نشود آچاره تطبیق منافع آن عین است به مستاجر، اما اگر متعلق آچاره انسانی باشد مثل اینکه شخص خود را آچاره میدهد برای انجام عملی، در این میباید نتیجه آچاره تطبیق عمل است".

آنچه که در اینجا مطرح است، همانا منفعت بی قید و شرط و مطلق "مستاجر" (صاحب کار) است. همه موازین برای سلطه بی قید و شرط کارفرما بر کارگروضع شده است. و برای این منظور هیچ ساله ای نباید سد راه

استثمار خشن "مستاجر" از "اجیر" شود. اگر اختلافی بروز کرد، حق به جانب کارفرما است، چرا که کارگر از اعداد انسانی نیست و آنچه که ملک است منفعت مستاجر است. اگر اختلاف کنند که عامل کاری انجام داده و باید آن را، قول مالک مقدم است.

از آنجا که ملک منفعت است، پس حتی "اجیر" در عقد آچاره هم آزاد نیست و به قهر میتواند شخصی را اجیر کرد، در صورتیکه منفعتی از آن حاصل آید. هر شخص میتواند خود را اجیر غیر قرار دهد. بنابراین اگر کسی قهر را دیگری را استخدام کرده و یا به نحوی از انحاء موجهات تقویت منافع او را فراهم سازد ضامن است. (پیش نویس صفحه ۲۰). و اما در اینجا منافع "اجیر" چیست؟ همان اجرت. پس میتوان هر کس را قهرآ "اجیر کرد و اجرت او را هم برداخت. شهادت در مورد که تصمیم میگیرد.

اما برای اینکه "اجیر" بهره دهنس خوبی داشته باشد، کافی نیست که فقط آزادی او سلب شود، باید در همچنین او را اعداد حیوان و یا شبیه بشمار آورد، که "مستاجر یعنی شیء انسانی" بتواند کاملاً او را همچون برد و تصاحب کند. بر تعریف بکار برفته شده همردیف قرار دادن "اشیا" و "حیوان" و "اجیر" کاملاً نیت را ادا میکند، اما برای محکم کاری و برای اینکه این طبقه غیر انسان یعنی "اجیران" بدون هیچ شبهه و سوالی جایگاه خود را در جمهوری اسلامی تشخیص داده و ادعای ناحق نکنند، در صفحه ۲۲ پیش نویس به نقل از تحریر الوسیله خمینی آمده است که "اگر بار بار پیش بلغزد و محموله ها بشکند ضامن است و کس چنانچه چهار پایا (ماشین باربری) که برای نقل محموله کرایه شده و بگردد و خسارتی بر محموله وارد آید ضامن نیست و اینجا است که در موضوعیت بار بر غیر چهار پا در جمهوری اسلامی از بار بر چهار پا وخیم تر میشود.

جمهوری اسلامی برای کارگر و زندگی او هیچ ارزشی قائل نیست و حیات کارگران حیوان هم کمتر حساب می آید. اسلام فقهائی "بهرای بهره کشی از کارگران تادم مرگی هم فتاوی خاص خود را دارد، نقطه مشترک این فتاوی عبارتست از استثمار و حشانه بقیه از صفحه ۱۵

— مهر ماه ۶۰ الی مهر ماه ۶۱ —

این بررسی را در ۴ قسمت مرور  
میکنیم در قسمت اول روند مبارزات  
کارگران و زحمتکشان را در یکسال  
گذشته بطور کلی نشان داده و مشخصه  
های مقطع کنونی را بر میشمردیم در  
قسمت دوم خواسته ها، اشکالات  
مبارزات، شیوه های سرکوب و نتایج  
مبارزات را جمع بندی کرده و هر چه  
تر بین عموم ترین آنها را به تصویر  
می کشیم در قسمت سوم به مقایسه  
توان مبارزاتی کارگران با زحمتکشان  
برداخته حضور و عدم حضور پیشرو  
را بررسی میکنیم در آخرین قسمت  
اشاره ای خواهیم داشت به وظایف  
پیشرو

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

## پرسی اشکال . . .

بقية از صفحه ۴

در راستای ارتقا • آگاهانسه  
مبارزات کارگران و زحمتکشان •

## قیمت اول

در کار ۱۴۰۰ نوشتم "اعتصاب گسترده کارگران مبارز کارخانه ایران ناسیونال می‌تواند بر فصل نویسی در مبارزات کارگران و آغازی شکوهمند بر انقلاب باشد که ... در کار ۱۴۴ در بررسی اشکال مقاومت و مبارزه خودرها در ریاض ۶۰ گفتم در دو ماه

آبان و آذر خیزشهای نوینی در مبارزات  
توده ها و هیئت کارگران دیده میشود  
علی بن خشم و نفرت توده ها در کارخانه  
بجای صفا، مدارس و روستاها  
نمودهای آشکار یافته است. از این  
منطق (پاییز ۶۰) به بعد روند  
مبارزاتی وارد سیر صعودی خواهد  
شد و مبارزات عمدتاً اقتصادی در  
سرازیری به ترکیبی از مبارزات  
اقتصادی-سیاسی فرا  
میروید (یعنی با با خواسته های  
سیاسی شروع میشوند باید حالت  
پاسد آران و مزدوران دیگر رژیم  
می انجامد) مانند فرخ غزوی که  
اعتصاب با خواست سیاسی بازگشت  
۱۳۰۰ اخراجی سیاسی آغاز میشود و  
با اخراج ۵ نفر دیگر می انجامد،  
استارکیت که با خواست جلوگیری از  
اخراج یک کارگر به اخراج ۵ نفر  
دیگر ۲۷ نفر دیگر منتهی میشود و  
شرفازار که در آبان ماه با خواسته های  
اخراج مدبر، عدم افزایش ساعات  
کار، حق فنی اعتصابی را آغاز میکنند  
که به کشاندن مزدوران و نظامیان رژیم  
بداخل کارخانه منتج میشود و رژیم  
را مجبور به رودررویی مستقیم با  
کارگران میکنند. در ده ماهه سال  
زحمتکشان بافت آباد تهران نیز  
برای جلوگیری از تخریب خانه های  
خود به ماشینهای شهرداری و سپاه  
حمله میکنند این روند تا اواخر آذر و  
اوایل اسفند هم چنان گسترش میابد  
و با اعتصاب گسترده کارگران تهران  
ناسیونال به اوج خود میرسد در آذر  
ماه ۶۰ حرکت مبارزاتی گزارش  
شده ۸ مورد اعتصاب بوده است  
اما از دی ماه به بعد سیر صعودی آن  
تغییر پیدا قطع شده و  
بدون اینکه افت کند در یک سیر  
مستقیم تا آغاز سال ۶۱ ادامه  
می یابد  
بقیه در صفحه ۶

[illegible][illegible]

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

نہر رسی اشکال . . .

بقية الصفحة

این در راه از مبارزات توده‌ها  
مانند نواری است که بدو ناینگه  
عقب پا جلو رود بی روی تکرار  
میشود.

از بهار سال ۶۱ روند مبارزاتی  
توده ها مجدداً وارد سیر صعودی  
خود میشود اعتصاب شکوهمند  
کارگران ذوب آهن آغازگر این روند  
روبه گسترش است که با تجمع  
زحمتکشان شهرک محمدیه در جاده  
ساره، غلبان مبارزات توده ها در  
عین اختناق و سانسور بزرگ عمومی  
می باشد (این حرکت در روزنامه  
کجهان به چاپ رسید). بطوریکه در  
۶ ماه اول سال ۶۱ از ۲۷ مورد حرکات  
جمعی مبارزات توده کارگری  
گزارش شده ۱۴ مورد یعنی  
بیش از ۵۰٪ دارای ترکیب اقتصادی  
سیاسی است و از ۱۳ مورد حرکات  
توده های روستا ۲ در همین مقطع  
۵۰٪ اشکال مبارزاتی  
گزارش شده یعنی از ۲۷  
مورد ۱۳ مورد اعتصاب بوده است  
حال آنکه این نسبت در شش ماهه  
دوم سال ۶۰ ۳۲٪ بوده در  
مجموع مبارزات کارگران و زحمتکشان  
در شش ماهه اول سال ۶۱ به صورتی  
خود انگیخته ترقی می باشد. در این  
مقطع ۴ مشخصه بسیار مهم دیده  
میشود:

۱- اشکال مبارزاتی مستقل اشکالی  
مانند اعتصاب، تحصن، تحریم و  
کم کاری بر اشکال رفرفر میستی مانند  
مراجعه مقامات، نامه نوشتن طومار  
و... غلبه میکند بطوریکه اشکال  
فانونی مبارزه (دشمن کارگری) در  
شش ماهه دوم سال ۶۰ به نسبت  
شش ماهه اول سال ۶۱ بیشتر بوده  
است

۲- در خالت نهروهای مسلح رژیم  
در محل و فصل اختلافات کارگران  
و کارفرما و زحمتکشان و ارگانها  
نیادهای رژیم نزدیک به سه برابر  
فزاینده داشته است (توجه  
شود که صرفاً جدول مبارزات  
زحمتکشان منهای امارگیری  
نیروی هکلیه گزارشات بودهای مورد نظر  
بوده است).

۳۔ عقب ماندہ ترین اقشار خلق

بقية و منه ٧

| تاریخ | نام کارخانه    | خواسته ها                        | تعداد | شکل حرکت         | شکل سرکوب | نتیجه |
|-------|----------------|----------------------------------|-------|------------------|-----------|-------|
| ۱۳۰۲  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج<br>سک کار       | ۴۰    | ۱۵۰۰             | _____     | سایه  |
| ۱۳۰۳  | سوی واکسید     | برداشت حق ما سک کار<br>شکل سا    | ۱۰    | حریم با ده       | _____     | موج   |
| ۱۳۰۴  | در به کسری     | پا نیل و در به کسری              | _____ | حریم عریض        | _____     | موج   |
| ۱۳۰۵  | _____          | کاهن حق و سد کار                 | _____ | کلیه حق و سد کار | _____     | سایه  |
| ۱۳۰۶  | _____          | سهمه ما سس                       | تمام  | ۱۵۰۰             | _____     | سایه  |
| ۱۳۰۷  | سید خرد دره    | پا نیل حراج                      | _____ | ۱۵۰۰             | _____     | سایه  |
| ۱۳۰۸  | در به کسری     | حق سس کار<br>سد و سا             | _____ | انتخاب سا        | _____     | سایه  |
| ۱۳۰۹  | خا سه ماری سیم | برداشت حق و سد کار<br>پا نیل کار | ۱۰    | جمع سس           | _____     | سایه  |
| ۱۳۱۰  | استوری سس      | عدم کار حق                       | ۴۰۰   | انتخاب جزوه      | _____     | سایه  |
| ۱۳۱۱  | سید با حراج    | خلو کسری را حراج                 | ۴۰۰   | انتخاب سا        | _____     | سایه  |
| ۱۳۱۲  | سید خرد دره    | برداشت حق                        | ۴۵۰   | انتخاب سا        | _____     | سایه  |
| ۱۳۱۳  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۴  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۵  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۶  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۷  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۸  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۱۹  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |
| ۱۳۲۰  | سید خرد دره    | خلو کسری را حراج                 | ۱۰    | جمع سس           | _____     | موج   |

|                        |                                    |       |                                               |       |        |
|------------------------|------------------------------------|-------|-----------------------------------------------|-------|--------|
| با دین مسال            | طوبی کسری را حراج<br>دین سولامند   | ۱۰۰   | سپه طوعا و                                    | _____ | سامیون |
| کا ر مضطاعی ای هور     | عدم طبع میا سلا                    | اکتزا | شیرا با ما عه<br>کا ر کا                      | _____ | موسوی  |
| حاجه ساری هور          | طوبی کسری را حراج<br>۲۰۰           | سام   | سپه سه ایما                                   | _____ | موسوی  |
| دوب آهن امه جان        | طوبی کسری را هر بار<br>با عا کسب ر | سپه   | حمله ده عسیر<br>عمرو و عا<br>کند بن منزل کسیر | _____ | موسوی  |
| سارین الکسرتک          | هسته طوبی سون<br>۱۲۲               | _____ | مرا حجه دسیر                                  | _____ | سامیون |
| روین سارین هور<br>کسیر | سردا عه د                          | اکتزا | حجم و کسیر و کان<br>کسیر و کسیر و کسیر        | _____ | موسوی  |
| اخا و کان سلا          | سردا عه د                          | اکتزا | مرا حجه سوار کسیر                             | _____ | موسوی  |
| کسیر و سلا             | سردا عه د                          | کسیر  | احصا عه د                                     | _____ | موسوی  |

حدود ممتازات بر حاکمان سپهروزیسا  
مهر ما ۵۵ تا لیس سپهروزیسا ۱۰۱۲۶ - سپهروزیسا

| ردیف | محل      | مواضع                | مقدار | نکات حرکت                       | نکات برگشت                      | ملاحظات |
|------|----------|----------------------|-------|---------------------------------|---------------------------------|---------|
| ۱    | پهنه ماه | نادره کوه در<br>گسرس | ۵۰    | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | ۱. جلا کوه و سمت<br>چرخه        | موضع    |
| ۲    | خوب بهر  | پناه دادن            | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۳    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۴    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۵    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۶    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۷    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۸    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۹    | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |
| ۱۰   | نادره    | در اوردن             | ۵۰    | در اوردن<br>کوه                 | همه در جهت<br>نادره کوه<br>خاکه | موضع    |

رژیم جدیدی اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

# نورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۶

در این مقطع بتدریج وارد میدان میشوند که این امر بصورت شکاف مابین حزب الهی ها، افزایش تعداد شرکت کنندگان در حرکات جمعیتی و شرکت حزب الهی ها، سابق در این حرکات پرورشی باید در گزارش از یک کارخانه آمده است: «مراسم ۷ تیر در بین کارگران با زتاب چند انجمنی داشت، کارگران در مراسم شرکت نکردند حتی حزب الهی ها هم اکثر این روز سرکار حاضر نشدند»

کارگران آنکه تا در پرورزا از حاکمیت تعریف میکردند امروز میگویند این اسلامی که ما میخواستیم نیست از گزارش از بیت موسسه ولایتی: «همساری کارمند آن حزب الهی عقب نمستند و سعی دارند اعمال گذشته خود را به نحوی توجیه کنند» از یک از بخش های کارمندی را آهنگ گزارشی در اینم که مخالفت با رژیم حتی به انجمن اسلامی هم رسیده، بطوریکه برخی از انجمنی ها که خود از پانپان انجمن اسلامی بودند حالا بیکر را بشم میکنند و میخواهند از خود رده مسئولیت نمایند در جشنهای الکتریک کفوت عطیلی پنجشنبه ها باعث درگیری بین سپاه و انجمن اسلامی میشود و . . .

اما مهمترین مشخصه این مقطع رشد اشکال قهرآمیز مبارزه میباشد. تاکتیکهای قهرآمیز به دو صورت جمعی و فردی انجام میگیرد. پرورشی باید حاشیه نشینان به ما شنید - های سپاه و از آن امری حمله کرده - فرماندهان آنها را مضروب میکنند، در مواردی که کارگران حزب الهی بدست خود کارگران ترور میشوند، کتک زدن و تشبه حزب الهی ها و عاملین وابسته رژیم بلاخص در کارخانجات مکررا دیده میشود. این اشکال اگرچه هنوز محدود و پراکنده هستند اما در مجموع ویژگی خاصی به شش ماهه اول سال از میبخشند مادر جمعیت در اشکال مبارزات به این مسئله منحصلا خواهیم پرداخت.

اینکه سیر صعودی مبارزات توده ها چگونه ادامه می یابد و تاثیر سیاستهای اخیر رژیم بر آن چیست امری است که به تحلیل و بررسی جامع وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر توده ها و رژیم بستنی داشته و در صد قیاسا به نظر منی نیست و صرفا مبتدیان با یک

| تاریخ | ایم اس ها     | حرکت ها       | تعداد | شکل حرکت      | شکل سرکوب     | نتیجه         |
|-------|---------------|---------------|-------|---------------|---------------|---------------|
| ۱۳۰۵  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۰۶  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۰۷  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۰۸  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۰۹  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۰  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۱  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۲  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۳  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۴  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۵  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۶  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۷  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۸  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۱۹  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۰  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۱  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۲  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۳  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۴  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۵  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۶  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۷  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۸  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۲۹  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |
| ۱۳۳۰  | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | ۲۰۰   | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی | کد ها و اسامی |

## سیر تحولات . . .

بقیه از صفحه ۹

شد هبوند، علنا ابراز وجود نمودند و بدینترتیب تشکیلات علنی کارگران گسترش بی سابقه ای یافت. پرورشی پس از این به بارها، به این تشکیلات حمله کرد و آنها را غیر قانونی اعلام کرد. لیکن این در یک حقی بود که هر وقت با مبارزات خونین خود، به راه می افتاد پرورشی تحمیل کرد. با این وجود، این پانپان کارنیز بود. در زمانهای که بحران جامع سر می خورد، رافرا می گرفت، پرورشی برای سر شکن کردن با پانپان بر دش کارگران تلاش میکرد امتیازاتی را که قبلا کارگران در اش مبارزات بقیه از صفحه ۱۷

تجزیه و تحلیل نسبتا دقیق کلی تر بین مشخصه های حرکت آتی مبارزات توده های ایران ترسیم نمود.

ادامه دارد

مقاومت متحد میگردد - اتحاد . . . اتحادها، که در ابتدا مجرا شد هاند، خود را بصورت گروهها در می آورند . . . و در برابر سرما به همیشه متحد، ایقای سازمان برای آنها (یعنی کارگران) ضروری تر از ایقای مزد میگردد (به نقل از: بنین بار ساله کارل مارکس) مبارزات پانپان کارگران، حسی اختلاف، حق داشتن تشکیلات مختص بخود را، به کرسی نشان میدهد. کارهای سندیکا که در شرایط غیر قانونی در انجمنهای مخفی تربیت

سیر تحولات . . .

بنیاد از صفحه ۱

سیاسی سلاحيهايشان

راتيز ميکنند .

در جنبين شرايطي بقول لنين : هر کس که صاد قانع علاقه به سرنوشت جنبش آزاد سازي در کشور صاد ارد نميتواند که در رجه اول علاقه مند به جنبش طبقه کارگران باشد . ساليهاي جنبش ، ساليهاي ضد انقلاب ، ويراى تمام شکها ، نشان داد که طبقه کارگر در جلوتام نبردهاي آزاد گام برميدارد ( تجربه مي آموزد ) . بر اين اساس ، تحت شرايطي که چشم انداز اعتصاب عمومي سياسي پيش روي ما گسترده است ، روشن است که هدف از بررسي مسائل اعتصاب بطورکلي ، و بررسي سيمر تحولات مبارزات کارگران ، بطور اخص در اين مقاله ، صرفا نميتواند يك آشنائي ساده و مباني تهيه و قايم گذشته باشد . هدف از اين بررسي ها ، آموزش از - تعارب پريار مبارزات کارگران و به - کارگيري آنها در عمل مبارزاتي است .

بررسي سيمر تحولات مبارزات کارگري و اشکالي که کارگران در مراحل مختلف توسعه سرمايه داري بکار گرفته اند ، به پيروي کارگري که ميکنند که در بايد با کدامين " منبر خواستها " و با کدامين شکل از مبارزه ، در هر شرايط مشخص کارگران مير خود را برانقلاب ميکنند و جهت کسب رهبري بلا منازع خود بر انقلاب به پيش ميروند . برعکس ، به کار بردن کدا يك از اشکال مبارزه و منبر خواستها ، تحت رهبري بورژوازي قرار گرفته و به گوشت دم توپ طبقه حاکم بدل خواهند شد ؟ بعنوان مثال ، در يك مرحله از اوج گيري مبارزات توده ها در سال ۷۵ ، کارگران صنعت نفت نشان دادند که چگونه طبقه کارگر قادر است ، مير خود را بر انقلاب بکوبد . سازشکاران و خشکين از او جگيري مبارزات کارگري مستقل از خواست " رهبران " ، با آنها به اکره نشيستن . بازگان نماينده ( ويراى استقرار زعامت امام در کارخانه ها ) ، اين ماموريت را به عهده گرفت . ولي کارگران با هوکردن او ، جواب سازشکاران را دادند و دست رد بر سيمه آنها زدند . نفتگران قهرمان سازشکاران را از زيلند و اي " رهبران " انقلاب به دلکهاي انقلاب بدل کردند و ماهيت واقعي آنها را نشان دادند . بردها بهام اوها من را که رهبران بعنوان يك حلقه دفاعي بد و خرد کشيده بودند ، دريدند و چهره واقعي آنها را اعيان کردند . اين يك نمونه موفق از بکارگيري شکل مناسب مبارزاتي است . اما

اين نمونه و نمونه هاي مشابه نميتوانست کل جنبش را در بر بگيرد . رهبري خرد بورژوا - بورژوازي جنبش پسر قدرت سياسي مسلط شد و سرکوب کارگران پر دخت و انقلاب در نيمه راه متوقف ماند .

اکنون برای قطعيته بخشیدن بر امر انقلاب ، بايد اشکال مبارزاتي طبقه کارگر را مورد بررسي قرار داد ، آنها را تحليل کرد و از آنها براي نبردي آتي درس آموزي کرد . بدین لحاظ ، نه تنها شناخت جوانب مختلف اعتصاب بعنوان طبعي ترين شکل مبارزه طبقه کارگر ، بلکه شناخت چگونگي تشکيل تاريخي آن ، نيز ميتواند به نبره راياري رساند تا ، به بهترين نحو ، اشکال موجود مبارزه کارگران را در جهت برپايي اعتصابات هد ايت کند .

در کار ۶۰۱ گفتم که تضاد بين خصلت اجتماعي کار و مالکيت خصوصي برابر از توليد ، آن زمينه پيش است که شکل طبيعي مبارزه طبقه کارگر را در نظام سرمايه داري رقم ميزند . به عبارت ديگر ، با اجتماعي شدن روز - افزون کار و تمرکز سرمايه ، اعتصاب بعنوان شکل متعارف مبارزاتي طبقه کارگر رخ مينمايد . اما اعتصاب به بکاره شناخته نشد و متد اول نگريد . اعتصاب ، بعنوان يك شيوه متد اول مبارزاتي ، تنها در مراحل اولي از رشد سرمايه داري و شکل نيري طبقه کارگر همراه با درجه ازاگايي ، امکان پذير شد . در ابتدا ، طبقه کارگر هنوز در ميدان مبارزه طبقاتي آيد به نشد بود ، آگايي لازم را کسب نکرده بود و اشکال مبارزاتي اش بر چا يگا هش در سازمان اجتماعي کار منطبق نبود . تنها طر يك پروسه مبارزاتي ، پروکليا به برپايي اعتصابات واقف گشت ، و از آن پس ، اين شکل از مبارزه را در نبرد بر عليه سرمايه داري وسيعا بکار گرفت .

\* \* \*

با اجتماعي شدن کار و تمرکز سرمايه ، فقر اجتماعي روبه افزوني نهاد و هر روزه افراد بيشتر ي به صف کارگران ، به صف بي چيزان راند شدند و از سوي ديگر به تعداد کساني که هيچگونه مالکيتي بر وسايل توليد نداشتند ، اضافه گشت . با سلب مالکيت از توليد کنندگان کوچک ، آنها نيز روانه کارخانه هاي بزرگي شدند تا بر اي گذران زندگي به کارگري بپردازند . وسايل توليد به مالکيت تعداد قلبيلي از جمعيت در مي آمد . اکثر يست جامعه نه تنها آنها ي براي خسود نميديدند ، بلکه براي گذران زندگي روزمره خود مي بايست در جامعه ، هر روز از اين کارخانه به آن کارخانه سر

زند ، تا يکها بفروش تنها چيزي که متعلق به آنها بود و بر ايشان با قسي ماند بود ، يعني نبروي کار ، زندگي خود را بگذرانند . زمانیکه کار بود مي بايست صبح تا شب کار کنند و زماني که سرمايه دار به کار آنها احتياج نداشت به امان خدا رها شوند . جلب مالکيت کنندگان ، يعني سرمايه داران قادر بهودند که از ثبات موجود بهيرون فرو شدند گان نبروي کار ، يعني کارگران استقاده کرد و ويرا ي افزايش سود خود هر چه بيشتر بر ارزش نبروي کار ، يعني مزد ، فشار آوردند . با گسترش صنايع علمبرغم اينکه بر شروت جامعه افزوده ميگشت ، ولي وضع زندگي اکثر يست - يعني توليد کنندگان شروت - فلاکت بار تر ميشد .

بد بيشتر تهيه بود که هميان آغاز شد . کارگران براي اينکه قادر به باشند از يك حد اقل زندگي انساني برخوردار - باشند ، چاره ا ي نداشتند به جز تغيير وضعيت موجود . آنها هر گام که در اين راه برميداشتند ، گامي بود عليه منافع بورژوازي . در حقيقت شرايط عيني اجتماعي ، کارگران را به مبارزه فرا ميخواند . در هر جا که صنعت رشد ميکرد ، مبارزه کارگران نيز همراه آن شروع ميشد . انگليس ميگويد : " شورشيهاي کارگران ي زودي به بعد از اولين تکامل صنعتي آغاز گشت ( وضعيت طبقه کارگر در انگليس ) .

اولين شکل مبارزه و ابتدا يي ترين شکل آن ، قتل و زدي بود . کارگران که ميديدند هر روز ساختها کار ميکنند ، ولي روز بروز ، وضع زندگي آنها بدتر ميشود ، در حالیکه سرمايه داران ، از شمره کار آنها هر روز ثروت و ثمنند . ثمنند لذا آغاز به زدي کردند و ام سوال شروت و ثمنند آن و بولد آن را مي زد پيدند احترام به مالکيت سرمايه دارانه بر ايزارت توليد بعنوان يك حق الهسي خد شده ار گرديد . اين شکل ابتدا يي مبارزه هر چند عناصر ي از اينده و از شرايط موجود را در خود متبلور مي سازد ليکن ، بطور عمده ، هنوز علام بسياري از کد شتمر ابا خود حمل ميکنند . شکل از مبارزه که ملا بهاد و ران نويسن ، يعني در و ران سرمايه داري انطباق نداشت و تنها عنصر ي که از ايبين در و ران ، عمدتاً بمان ميگرد همانا عدم احترام به مالکيت بر ايزارت توليد بود ، که از موقعيت نوين اين طبقه در سازمان اجتماعي کار بر صي خاست .

مبارزه افراد ي کارگران باقی ماند و فرهنگ گذشته شرايط جد به بود . اين حالت از مبارزه بيشتر به نصيبان يك در هقان به قهر در صفحه ۹

من مانست و در ماندگی و  
پاس را حتماً میزد. اشت. این  
شکل از مبارزه و ام زبانی  
نمیوانست داشته باشد. چه جامعه  
بورژوازی با تمام قدرت خود علیه این  
کار شکستی ها را مرکز ش سرمایه قد  
برافراشت و حریف یکو و شهادت ربه  
مصاف تا بر شکست داد. و هر غم  
اینکه کارگران، از نظر نقشی که در تولید  
اجتماعی را داشتند، دیگر نمیتوان  
یک فرد به حساب نیامد و تنها به  
یک جمع است که میتواند در جامعه  
نقش تعیین کننده داشته باشد.  
یعنی موجودیت فرد یا نهاد جامعه  
نه یک موجودیت جمعی و اجتماعی  
معنویان کل طبقه وابسته گشته، ولی این  
حقیقت هنوز در ذهن آنها شکل  
نمیگرفت. اما در کارگران مبارزات و  
شکست های که کارگران در مبارزه با  
یک خود با کارفرما متحمل شدند،  
آنها را برای مقاومت دسته جمعی  
سوق داد. اگر چه در این دوران هنوز  
هنوز عصبانیهای جمعی آنها بیشتر از  
در ماندگی و پاس سرچشمه میگرفت.  
کارگران ایران در پیرین راه خلیل ناپذیر  
بودن انتظاماتی که آنها را تحت فشار  
قرار میداد از دست میدادند و در فقه  
رسته لزوم مقاومت دسته جمعی را...  
نمیخواهم بگویم در یک میکردند، ولی  
حس میکردند و وجد از فرمانبرداری  
غلامانه در مقابل روسا سرپیچی  
مینمودند. ولی مع الوصف این مراتب  
بیشتر جنبه برای پاس و انتقام داشت  
تا مبارزه (لنهن، چه باید کرد)

کارگران به لزوم مقاومت دسته  
جمعی واقف گشتند، اما این هنوز  
یک مقاومت دسته جمعی "برمنای  
شرایط نوین تولید نبود. مقاومت  
آنها جنبه منفی در ستاوردن سرمایه  
در آری و در خود داشت، لیکن نه با  
هدفی روبه پیش، بلکه از روی پاس و  
استیصال. آنها عامل در بار خود را  
وجود ماشین آلات پیشرفته انتمه  
به تخریب ماشین ها برداختند.  
انگیزه را بنیاده میگوید: "همیشه یک  
طبقه، کارگران اولین بار، مخالفت  
خود را علیه بورژوازی وقتی که در مقابل  
طرح ماشینهای صنعتی، در اوایل  
دوره صنعتی، مقاومت میکردند،  
متکون کردند" (وضعیت طبقه کارگر  
در انگلیس). در قرن هفدهم، در  
اروپا، شورشی کارگران علیه نخستین  
ماشینهای صنعتی آغاز شده بود. در  
سال ۱۷۵۸، کارگران انگلیس نخستین  
ماشینهای پشم ریش را در هم  
شکستند. کارگران اولین مخترعین  
مانند آرن رایت و دیگران را مورد این  
واژیت قرار دادند و ماشینهای  
اختراعی آنها را خرد کردند. در نتیجه  
در دوم ژوئن ۱۸۴۴، کارگران نساجی  
در برادفورد ناپذیر کردن ماشینها

## سیر تحولات

بقیه از صفحه ۸

برداختند که به غیر شما می برد  
زمینه رتعدادی دیگر از کارخانه های  
منطقه صنعتی بوهما، انجام میداد و  
تماما به وسیله سرکاران حکومتی سرکوب  
شد. حکومتها ی بورژوازی به مقابله با  
این شیوه مبارزاتی کارگران برداختند  
و قوانینی را برای اهدام تخریب  
کنندگان ماشین آلات به تصویب  
رساندند. سرانجام با این شیوه  
مبارزاتی، باید آری کارگران در هم  
شکست.

اگر چه مقاومت کارگران در برابر  
ماشین قابل درک بود، اما این امر  
تلاشی بیهود بود. بکارگیری چنین  
اشکالی از مبارزه بطور غالب معارف با  
سطح نازل رشد مناسبات سرمایه داری  
بود، نه نهایت ماقبل سرمایه داری.  
کارگران کاملاً در دهشت بود و هنوز  
طبقه کارگران نظرد هنی، تمام و کمال  
در جایگاه واقعی خود مستقر نشده بود.  
اما تجربه به آنها آموخت و همانطور  
که مارکس در این باره نوشت: کارگران  
انگلیسی رفت و آمده میخواستند که به  
ماشینهم و کاربرد آن توسط سرمایه  
داران تمیز قابل شوند و حملات خود  
را، نه علیه وسایل مادی تولید، بلکه  
علیه روش استفاده و جامعه از آنها متوجه  
سازند.

شکل مبارزه میبایست تغییر یابد و  
تغییر نیز یافت. شکل نوین مبارزه،  
مبارزات انقلابی کارگران بود. در این  
دوره، باید نولوگهای بورژوازی که  
اقتصاد لیبرال یا آزاد بخواد کلاسیک  
را توجیه و تبلیغ میکردند، چنین اعلام  
میداشتند که بهترین وسیله تا رسیدن  
آزادی و برابری همانا تضمین حقوق  
مالکیت و رقابت آزاد برای تعهد داد  
بیشمار تولید کنندگان است. از اینرو  
هر گونه اختلاف طبقاتی را مایل آزادی  
دانسته و استدلال میکردند که این  
اختلاف، آزاد ی دیگری را میهن خواهد  
کشید. در حقیقت آنها از آزادی  
استثمار و آزادی فروش نیروی کار بدون  
هیچ رادع و مانعی پشتیبانی میکردند.  
بنابر این، به بهی است که اختلاف  
کارگران نمیتوانست با مقابله بورژوازی  
مواجه نشود. بورژوازی ترجیح میداد  
که با یک تک کارگران سروکار داشته و  
قرار داد های فردی کار با آنها منعقد  
نماید، و از این طریق قدرت مطلق  
سرمایه کار را جاد انی سازد. اما  
اختلاف کارگران به این قدرت خد شه  
وارد ساخته و قدرت آرد وی کار را در  
مقابل سرمایه تقویت میکرد.

تحت شرایطی که هر گونه اختلاف  
کارگران یک جرم سیاسی و مستحق  
مبارزات به حساب می آمد، به بهی  
است که اولین جمعیت های انقلابی  
کارگران نمیتوانست علنی باشد. بنابر  
این، کارگران بطور مخفی انجمنهای  
وجود آوردند که اعضای آنها میبایست  
مؤلفه یات کنند که سرانجام من  
حفظ کرد و وفاداره آرمانهای انجمن  
باقی بمانند. این انجمنهای مخفی که  
دارای خزانهدار و دفتر اداری بودند،  
لیستهای منظمی از اعضا را نگه میداری  
میکردند. این انجمنها برای مقابله با  
سرمایه داران، اعتصابهای مختلفی  
را تدارک میدادند و کارگرانی که به  
این اعتصابات نمی پیوستند، خائنین  
به طبقه معرفی میشدند. به بهی ترتیب،  
طبقه کارگر فتر فتره به یک نیروی متحد و  
مشکل در کارخانه ها بدل گشتند و  
قد ر قدرتی صاحبان کارخانه ها را در  
محدود و دولت کوچک خودشان به زیر  
سئوال بردند.

این دوران است از کشاکش حاد  
بین بورژوازی و کارگران: بورژوازی برای  
شکستن اختلاف پروکلتاریا، و این یک  
برای شبیهت و قانونی کردن آن، بورژوازی  
با کمک دستگاه مقتدرش قوانینی بر علیه  
جمعیتهای کارگری گذراند، و کارگران  
نیز، بطریق مخفی، با تدارک اوم مبارزه  
خود برای حق تشکیل و قوانین  
بورژوازی را به زیر سئوال کشیدند. و  
بالاخره، بسیاری از کشورهای اروپایی،  
باید آری کارگران توانست، حق اختلاف  
را قانونی کرد و به این طریق جمعیتهای  
اختلافی به سند یکا ها و اتحادیه های  
کارگری بدل گشتند. این اتحادیه ها،  
که فعالیت آنها روز بروز گسترده تر شد،  
به عنوان یک قدرت مستقل با کارفرمایان  
در باره تعیین حقوق و دستمزدها، ساعات  
کار و غیره وارد گفتگو شده، با قدر قدرتی  
سرمایه داری به مبارزه برداختند و برای  
ارتقا سطح زندگی توده های کارگر، به  
مبارزه برداختند. به بهی ترتیب، به  
فقر تر شدن توده های کارگر که در صورت  
فقدان مبارزه طبقاتی، گرایش طبیعی  
نظام سرمایه داری به شمار می آید، به  
مقابله برخاستند.

کارگران از طریق تجربه دریافتند که  
بجز از راه مقاومت دسته جمعی و ایجاد  
تشکیلات خاص خود که بتواند منافع  
آنان را در جامعه سرمایه داری، حفاظت  
کند، راه بجایی نخواهند برد. از  
همین روست که مارکس میگوید: "صنعت  
در مقابل بزرگ، گروهی از مردم را که  
باید بزرگ بگانه هستند در یک مجلس  
مجموع میکند، رقابت منافع این گروه  
را تقسیم میکند، اما املای مزد ها  
این نفع مشترک که آنها را بر کارفرما  
سی خود دارند، آنها را در اندیشه  
مشترک

بقية زينة ١٨

رژیم جمهوری اسلامی که بد نهال  
سرکوب و وحشیانه تود و های زحمتکش و  
نبر و های انقلابی مدافع آنان تصویب  
میکند توانست است نظم و امنیت کافی  
برای سرمایه داری و و شیوه های  
سرمایه دارانه برحان اقتصاد ای و  
سیاسی موجود علیه کند هر روز لواج  
جدیدی در حمایت از سرمایه داران و  
زمین داران تدوین کرد و تلاش میکند  
با قانونی مداخلت مافیع استثمارگران  
حمایت سرمایه دار و زمین دار، آنان را به  
حقیقت آشکار خود مطمئن سازد .  
لا محاله "حدود و شیوه فعالیت بخش  
خصوصی" که هم اینک از سوی شورای  
اقتصاد و دولت مورد تصویب قرار  
گرفته و تنها مرحله گذار از مجلس را طی  
میکند از جمله این موارد است . گرچه  
رژیم آئند در میان تود و های سردم  
بی ابروست که تود و های بهر طرح چنین  
لواحق را از جانب رژیم امری بدیهی  
تصور میکنند و انتخاب سز و رانده  
سردمداران رژیم که خود را حامیان  
"مستضعفان" جا میزدند و بهر آنچنان  
در پیداست که نازی بهر سوا ما خشن  
آنان نیست اما برای هر چه آشکارتر  
گشتن موارد مشخص این لا محاله لازمست  
اشاره به آن نمائیم .

در ماده ۳ این لایحه آمده است  
عوامل تولید صنعت بشرح زیر است  
۱- نیروی انسانی ۲- ابزار تولید  
۳- مواد اولیه ۴- زمین و تسهیلات  
با احتساب اینها که چگونگی نیروی کار  
کارگران و زمینشان و رخد مواد اولیه  
و ابزار تولید تیزل میباید و هنگامیکه  
اضافه میشود نیروی انسانی کارگر  
تسبی استحقاق دریافت اجرت نقدی  
یا جنسی بر طبق قرارداد منعقد را  
دارد و در سود و زیان محصول واحد  
تولیدی سهم نخواهد داشت  
چهارم که به استمارگران و تسهیلات  
غارتگران سرمایه داری خود را نشان  
میدهد، البته در این بند قید شده  
که چنانچه جناب سرمایه دار برای  
تولید بیشتر و افزایش بهره های کار  
صلاح بداند که کارگر را از سود حاصل  
از تولید سهم کند باید در قرارداد  
قید شود (ماده ۳) گرچه حتی اگر  
چنین امری در قرارداد قید شود از آنجا  
که کارگران کسری بر میزان فروش ندارند  
سرمایه دار میتواند آنرا سانسکر هر گونه  
سودی شود و توجه همین ماده گفته  
میشود همین چگونگی مد بریت واحد  
تولیدی  
بقعه صفحه ۱۲

و کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتر  
امکانات تولیدی خود را از دست داده  
و ناچار میگردد تنها بصورت کارگر  
استمرار گردند و بدین ترتیب بخواهد  
بجز حاصل نیروی کار خود نخواهند  
داشت. بدین ترتیب لایحه فوق  
تنها هرگونه ادعای اصلاحات ارضی را  
از جانب رژیم پهلایش نفی میکند  
بلکه روابط ظالمانه موجود در روستاها  
را نیز ایفا مینماید و بدینسان در کشاکش  
در هفتان و زحمتکش و زمینداران بعنوان  
حامی و قانونگذار زمینداران وارد  
میدان میگردد. البته در این لایحه  
قوانین عوامفریبانه فراوان است مثلاً  
ماده ۲۸ - کارگری که تنها مالک  
است میتواند با اجاره زمین و وسیله  
کشت به کار تولید برای خود اقدام کند  
در این صورت تمام محصول ازان وی  
خواهد بود و مالک زمین یا وسیله کشت  
تنها اجرت مقرر را دریافت مینماید.  
... به عبارت دیگر حتی اگر هفتان  
توانایی تهیه زر را داشته باشند باز  
میباید حاصل دسترنج خود را در اختیار  
مالکین زمین و وسایل کشت قرار دهند  
و البته این امر را نه همان سیاست  
چندین صد ساله استعمار در هفتان  
بوسیله زمینداران است و بهاراتیسی  
همچون کار تولیدی برای خود و  
تمام محصول ازان وی خواهد بود...  
عوام روستایی را بجهت پوشانیدن  
ماهیت عارتگران اینگونه لایحه است.  
بدینسان با وضع اینگونه قوانین رژیم  
میگوشد تا فضای لازم جهت جلب  
نظر سرمایه داران به سرمایه گذاری و  
کسب حمایت کامل آنان را فراهم آورد  
تا بیشتر از ابزار فشار بحران و رشد  
ناراضی بخواهد. لایحه جدید و  
وشیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی  
را در اصل باید آخرین کلام در حمایت  
از روابط ظالمانه سرمایه داری و استثمار  
هر چند این لایحه هنوز در مجلس مطرح  
نگردیده است و احتمال دارد در  
سرمد در آن مجلس نشین بدلیل  
حمایت عربان و علنی آن از سرمایه داران  
تفصیلاتی در آن را بمنظور پوشانیدن  
چهره خویش لازم شمارند.  
اما سرمایه داران و زمینداران از هم  
اکنون علیرغم اظهار شغف فراوان و با  
بی اعتنایی به اینگونه لایحه میگزینند  
زیرا آنها میدانند آنچه ماهیت انسان  
را برهم زد و نه قوانین رژیم حاکم بلکه  
مبارزه توده ها و زحمتکش برای احقاق  
حقوق خویش بود و است و همین مبارزه  
است که آنها را نمیتوان در چهارچوب  
قانون و لایحه محدود ساخت و بالاخره  
درست عدالتخواه توده ها اگر بهمان  
آنان را خواهد گرفت. اما نیروهای  
پیشرو و موافقند ماهیت اینگونه لایحه  
در رژیم حامی آنان را ندیده ها افشا  
سازند و نشان دهند که چگونه  
سرمد در آن رژیم علیرغم تبلیغات  
گوناگون در عمل و واقعاً حامی سرمایه

۳ خلخال در نظم سازمان  
دارد و در زمین نیز از آنها حمایت بعمل  
می آورد. رژیم بدین ترتیب میخواهد  
سرمایه داران بفهماند که نه تنها  
غارتگری و استثمار جنبه قانونی دارد  
بلکه سرکوب بی امان کارگران حق طلب  
نیز بخشی قانونی دارد و کارگران حق  
در حالت در آرد کارخانه را ندارند.  
اینجاست که تمامی ادعاهای قبلی رژیم  
در مورد انجمنها و شوراهای فرمایشی  
سلامی نیز برای خوش آمد سرمایه  
داران بشمار می آید و اینها در بعضی موارد  
تعلیقات سرمایه داران در بعضی موارد  
میکردند. بحران عظیم اقتصادی و  
گسترش نارضایتی بی سابقه مانگونه  
که پس از واقع ۳۰ خرداد چهره  
خون آشام رژیم را بشمار گذارد  
اکنون دفاع عکس و آشکارویی رود -  
باید حتی از نظام غارتگری سرمایه داری  
و سرمایه داران را الزامی ساخته است.  
اماد رعرعه کشاورزی نیز لا محاله  
بشمار تعلیقات راه مالکان اهدا  
میکند. پس از مدتها خیمه شب  
بازهای غارتگری برای سرگرم نمودن  
دشمنان مستعد شده و با وعده های  
دروغین مانده (ج) و غیره که بارها  
مورد اعتراض بود مدافعان رژیم نیز  
تزار گرفت اینک رژیم مدافع زمینداران  
باید قواقتی نظیر آنچه که رعرعه  
دشمنان وضع نموده است، در زمین  
خود راجاد دشمنان زحمتکش عیان  
نمود.  
ماده ۴: «این لا محاله چنین میگردد:  
عوامل تولید در کشاورزی مرکب است  
از بذر، زمین، کار و وسیله کشت. باز  
دشمنان تقسیم بندی استثمارگرانه  
سرمایه داری و حتی فئودالی، قریب  
نمودن آنها با استفاده از این تقسیم بندی  
طایفه ای که بذر، زمین و دشمنان  
پر پرداخت تا جای خود را به سرمایه  
داران سپردند. اینک لا محاله  
فدالیته بخش خصوصی نیز شیوه -  
غارتگران کار را از سایر عوامل تولید جدا  
ساخته و بدین ترتیب میکوشد تا این  
توهم را ایجاد نماید که گویا هر يك از  
عوامل تولید جداگانه بدست آمد و  
بهای مخصوص بخود را دارد و کار یکی  
از این عوامل بود و طبیعتا دشمنان و  
تزارگران کشاورزی حق چشمداشتی از  
محصول ندارند. پس در ماده ۴۷  
اضافه میکنند: «چنانچه مالک بذر در  
بکارگیری سایر عوامل تولید از شیوه  
انبار استفاده نکند تمام محصول آن  
وی خواهد بود و هر يك از عوامل زمین  
وسایله کشت و نیروی کار تنها استحقاق  
خود را دارد. . . . این عبارت تنها  
يك عوامل می است زیرا انگشت که نداند  
که در چهارچوب نظام سرمایه داری  
تنها سرمایه داران صاحب ابزار و  
وسایل تولید و مواد اولیه و غیره همچون  
بذر، زمین و وسیله کشت خواهند بود



## توده ها...

بقیه از صفحه ۲

را کلاً از صحنه مبارزاتی حذف کند. در عوض، اما، توده ها می که تحت فشار فقر اقتصاد و سیاستهای ضد بشری، به سرعت از حکومت جبهه آ می شدند، مستقیم و غیر مستقیم به حمایت (اگر چه عمدتاً هنوز حمایت معنوی) از نیروهای مخالف رژیم می می خواستند. فرمان قصد آن را دارد که توده ها را به سمت حکومت دوباره باز خواند و نیروهای مخالف (در مرحله اول) و اساساً نیروهای انقلابی و مومنین را متزوی ساخته و به سرکوب آنها آرا دهد.

پس از صدور فرمان، سران قوم هر آید خود را از ناامیدی مردم نسبت به حکومت و احتمال خیزش آنها پنهان نداشتند. بهیچ امید ی را در دل مردم زند و کرد داشت... بهیچای موقع لازم بود، "جبهه ای موقع می میورد بود، مردم از ناامیدی وار شدند، لازم بود که بهیچای اطمینان بخش و آرام بخش برای مردم داخل کشور از سوی امام صادر شود، مسئولین کم کم زیر سؤال رفته بودند و نظریه های کفایت ای اعمال میگردند موجب شد بود که به سرعت در وستان نسبی انقلاب و احیاناً افراد بی تفاوتی که میبشد آنها را در وستان انقلاب کرد به سرعت به سوی ضد انقلاب و جریه آنها سوق میداد. اما در این مورد نیز رژیم را بهیچای نمیبرد، چه برسد ن توده ها را و در وشی آنها با حکومت، امری است که از ماهیت ارتجاعی و عقب ماند رژیم نشات میگیرد و سیاستهای قرون وسطائی و اعمال سرکوب جزئی ذاتی حکومت مد می است.

بالاخره مشکل مهم و روبه انفجار در یگری که به صدور فرمان منجر شد، تداوم روبه رشد کشاکن بین جناحهای مختلف حکومتی است. هر روز که میگرد، بر زمین به حران اقتصاد و نارضایتی روبه طغیان توده ها، کشاکن بین جناحها حاد تر می شود. هر جناح برای تثبیت رژیم در جهت منافق خود، سیاستهای خاص خود را ارائه میکند. اما بر خود این سیاستها را عمل، بر ایند آن را بهیچای می سازد. اوج گیری این کشاکن را در هنگام انتخابات مجلس خبرگان شاهد بودیم. خمینی در همان زمان گفت: "اگر جناح مد میخواند این کشور بهیچای برود، اختلافات از بین برود، اختلافاتی که همه میدانیم که

و از این لحاظ خطری برای ما وجود ندارد. برای این منافع و بازمانیکه رژیم به سرکوب نیروهای انقلابی و مومنین میرد از و تا با بیان رسالت خود در این زمینه، از جان سپردن امر با محبت و در محدود و می حمایت میشود، و قرار داد هائی منعقد میگرد. اما این قرار داد ها همچنان که گفتیم به علت عدم ثبات رژیم و نیز اینکه رژیم نمیتواند شرایط کرد شر سرمایه بهیچای فترت را تامین نماید، محدود و موقتی است و لذا نمیتواند کمکی در جهت تعدیل بحران اقتصادی بنماید. مشکل لا ینحل بعدی که حکومت را بهیچای اختتام است، برپیدن توده ها از رژیم و افزایش حرکت های اعتراضی آنان است. فرمان سر آن را در کشاکن خشم توده ها را خاموش سازد. سیاستهای قرون وسطائی و سرکوبانه حکومت که توده ها را بهیچای برپیت فرا میخواند، نه تنها هیچ اعتماد را به رژیم باقی نگذاشته، که "مکتب" را هم بهیچای سؤال برد داشت. اگر در راستای سرکوب عربان و و حشانه توده ها موقتی با خاموشی گراشد و فقط اعتماد خود را نسبت به حکومت از دست دادند، اما به قدری که خوف حاصل از سرکوب (در عین تداوم سرکوب) روبه سردی و خاموشی نهاد، حرکت های اعتراضی گسترش یافت. تعداد جمعیت در نماز جمعه ها بهیچای ۱۳ آبان با تحریم اعلام نشد مردم رو برو شد، صاحب به محیط صوت و سوری تندیل گشت که حذر ر مواجه توزیع کوبین خوار بار از حیات فعال در آن خبری نیست. از سوی دیگر، مردم بهیچای مستقیم در مقابل اعمال رژیم (سپاه، کمیته، بسیج و...) قرار گرفتند. صف های محلی از تسخیر و اعتراض تبدیل گشت. حرکت های مستقیم اعتراضی کارگران و توده های زحمتکش در مقابل اعمال سرکوبگر رژیم - در اینجا و آنجا - روبه افزایش نهاد. رژیم بهیچای و وحشیست باخته، در یگری بهیچای سلاح مبارزات سیاسی سرکوب عربان - نمیتواند توده ها را به تسکین وادارد. آنها سر نیزه هر کاری میتوان کرد... جز نشستن بر آن.

رژیم با یگری و بیند های بی ضابطه، خانه گردی، انباشتن زند آنها از صد هزار زندانی سیاسی، اعدام نزدیک به بیست هزار نفر، قصد داشت، بهیچای بار برای همیشه، به حیات سازمانهای انقلابی و کمونینست و هر مجمع مخالفی خاتمه دهد. و اگر چه ضرباتی بر آنها وارد شد - و در بسیاری از مواقع ضربات مهی نیز بود - لیکن نتوانست آنها

اگر خدا ای نخواسته بهیچای طست راهبها می خواهد کشید، اگر اختلافات در سران قوم بهیچای سرایت خواهد کرد و وقت مهیچای که در صدد ستشند و هر گسی طبعی میزند (کیهان ۱۳/۹/۶۱). فرمان با بهیچای خمینی ره نمودی است در جهت گره کشائی از بین بهیچای قدرت در راستای حرکت آزاد سرمایه. اما در اینجا نیز این کشاکن نه با توصیه و سفارشات قابل حل است و نه بنا فرمان.

انتخابات مجلس خبرگان آن - نقطه ای بود که تزلزل حکومت بهیچای از هر زمانی برای سران آشکار شد. رژیم برای اینکه خود را از ک و توانا ند از، ادا کرد که بهیچای از ۱۸ میلیون نفر در انتخابات شرکت جسته اند، اما واکنشهای غیر ارادی سران حکومت، بهیچای از بهیچای عدم شرکت وسیع توده ها در انتخابات بود. از سوی دیگر، اختلافات عربان شد و در مورد مجلس خبرگان و ساک، انتخاب رهبر یا شورای رهبری، چشم انداز اختلافاتی خشن تر را در آیند ترسیم کرد. است. فرمان قصد آن را دارد قبل ازانی که اختلافات به مرحله انفجاری برسد، از آن بهیچای کند. در همین رابط مسکوت شمعی، سؤال بر انگیز و گران کننده در بهیچای مراجع تقلید بویزه گشای و بهیچای نحی تا آخرین لحظات، آن - اولشیا توم نهائی بود که به رهبر و خط امام را ده شد. بدین تأکید این مراجع تقلید، مجلس خبرگان بی اعتبار میبشد و رفیقانانی در نماز جمعه اعلام کرد که برای اینکه علما در یگری تحریک کنند گفتند که اینها یک نفر معین را در عهدش هستند که بهیچای علما را کنار بکند، و بدین که، علما ی مادر آخرین لحظات با یچ شعالی اعلام میدادند و خود شان هم آمدند رای دادند. علما را خواستند جدا بکنند تفرقه انگیزی نشد و بهیچای از مراجع مامول فراوان را درند. فرمان جواب تشکر آمیز رهبر است نسبت به بهیچای مراجع تقلید که دارای مقلد فراوان نیز میباشند.

پس از صدور فرمان، اعتراضات صریح از زبان سران حکومت در صورت آنچه که بهیچای طغیان بود، آغاز شد. سابقه ای برای تأکید و سیاستگذاری از رهبر ا همه اعلام میدادند و همه خواستار اجرای فوری امر رهبر گشتند. گفتند: بعد از آنکه توصیه ها شاهد نفوذ عناصرنا صالح و ناظر ظلم و زور بودن و بهیچای و در د ها و شکوه های مردم

بقیه در صفحه ۱۲

کم بهاداد ن بزرگترین فاجعه است. جلوگیری از خلاف شرع و اخلاق، گنه توزی، پرده دری، ناراضی تراشی، تیرد از حق، غصب اموال، هتك حرمت مسلمان، و طیفه همگان است. بر راستی چه کسانی اینگونه اعمال را انجام میدادند؟ گوئی که رژیم جمهوری اسلامی در ۲۴ آذرماه (صد و فرمان) مرد، و پس از آن، این همان سران جنایتکار نیستند که این چنین بگذشته میازند. تجسس که فتوی امام بود، غیر شرعی و حرام اعلام میشود و... به راستی که هیچ میزانی در انداز گری و تاحات اینان بکار نمی آید.

بهر حال، در ابتدا یاد آور شدیم که فرمان برای مقابله با سه مشکلی که شبیه رژیم را به خاطر افکنده است، صادر شد. اما این فرمان نمیتواند علت هار از بین ببرد. از ه اکنون، در عوای جناحها بر سر تفهیر فرمان و چگونگی اجرای آن شروع شده است. در حقیقت، همیشه با و فرمانهای خصمی بد نیال وضعت و موقعیت جناحها مطرح شده، نه اینکه خود بتواند وضعیت و موقعیت جناحها را تعیین کند. یکی از نمایندگان مجلس بطور ضمنی در این رابطه اظهار داشت که این اولین بار نیست که امام چنین جوشی و خروش پیدا میفرماید، و اگر گوش همان گوش ما و ناله همان ناله امام باشد، یقیناً آخرین یاد آوری امام نیز نخواهد بود. موسوی اردبیلی نیز در يك مصاحبه تلویزیونی از مشکلات که بر سر اجرای فرمان وجود دارد و از دیدگاههای متعدد در این باره سخن گفت. وی اظهار داشت که همیشه خیال میکردم که این پیام مربوط به در بگری است و میخواهند بگران را اصلاح کنند. و این هنوز آغاز ماجراست. پس از فروکش غوغای اولیه، جناحها با شهیر فرمان بر یکدیگر میازند، افرادی را هم اکنون بعنوان اختلاف، اجرای امور خلاف قانون و... دراز کرده اند و کثاکش قدرت دراز کردن افراد بیشتر و بالاتر می طلبد. تسویه حسابها بالا میگردد و جناح دولتی سعی بر ادغام و اضمحلال مهراد های تند رو و دست و پا گیر خواهد کرد. این روند از قبل آغاز شده بود و اکنون زمینه تسریع آن فراهم تر شده است.

رژیم برای مقابله با ور شکستی اقتصادی و ایجاد امنیت برای گردش سرمایه، باید خود را متعزیز کند، پیام در این راستا قرار دارد، اما این امر بسیار گسی میسر نیست. رژیم برای شبیه باید به کشاکش قدرت خاتمه داده، بحران اقتصاد را مهار کرده و توده های خشک را آرام نماید. اما رژیم خود بحران زاست. آنارشی حاکم بر سیستم حکومتی و تسلط سرمایه عقب مانده بر حکومت خود مانع تعدیل بحران

اقتصادی است. رژیم نیز نمیتواند با فرامینی از اینگونه، توده ها را جذب کند، زیرا که خود موجد دفع انسان است و بعلمت ماهیت ضد مکرانیک و ضد بشری خود مرتباً توده ها را خشک میکند بحالت انفجاری در مقابل خود قسار میدهد. جابراین دست رژیم، در مرکز رژیم نهفته است.

اعتراف به گناه و اشتباهات گذشته نیز نمیتواند نجات بخش رژیم ربهوت باشد. و این همان روشی است که محمما رژیمهای متزلزل در زمانهای بحران انقلابی پیشه میکنند. هنوز مردم بیاد دارند، زمانی را که رژیم منحوس پهلوی، برای خنثی کردن مبارزات مردم و به انحراف کشاندن جنبش توده های چگونهمعجز و لا به در آمد. در آن زمان نیز فرمانها صادر شد، تشکلات رستاخیز منحل گردید، روحانی ها، مهدوی ها و نصیری ها قربانی شدند، شاه صدای انقلاب را شنید و اعتراف کرد که اشتباهاتی در گذشته شده است. اما هیچ يك بر خشم و کین توده ها کارگر نیفتاد. اکنون رژیم، در سران بر سقف قرار دارد و هنوز باید در انتظار بود که فرمانهای دیگری صادر شود، اعترافات بیشتری انجام یابد، مهره های مهمتری قربانی شوند و... اما رژیم پیروز هشت بر آهن گداخته توده ها می گوید.

توده ها بر من خیزند و رژیم از پای می افتد. اما چگونه از پای افتاد نس؟ جنبش توده ها، بخودی خود و تنها بر مبنای نفی رژیم که دیگر نمیتواند آن را تحمل کند، لزوماً چار ساز نیارها و مطالبات آنها نمیشد. اکنون در مقابل سرنگونی محتوم رژیم، نیروهای مختلف اجتماعی صف آرایی کرده اند. در يك سوی، نیروهای ضد انقلابی سلطانت طلب قرار دارند و در آن سوی دیگر مکرانهای انقلابی و سپهس کمونیستها. خشم و کینی که توده ها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار داده بجدی است که توده ها با لاف و برای خلاص شدن از این رژیم وحشت و فلاکت میتوانند به حمایت از هر جریان ضد حکومتی روی آورند. و این نکته ای است که وطایف سکینه را در حلقه اولی بر عهد کمونیستها قرار میدهد. در کار شماره ۵۵ گفتیم که در رابطه با مبارزات او جگیرند توده ها و عنصر بارز چشم مخور که باید مورد توجه قرار گیرد. خود انگیزشی مبارزات و عدم حضور پیشرو و انقلابی در آن وجه بارزی است که بخوبی نتایج خود را در رهبر زکشانید شدن نیروی مبارزاتی توده ها، عدم انسجام کافی جهت تدویم حرکت، عدم انتقال تجارب مبارزاتی و گسسته بودن زنجیره تاکتیکی و روشهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان نشان میدهد. اکنون باید در جهت ایجاد کمیته های مخفی

### توده ها...

بقیه از صفحه ۱۱

اعتصاب و کمیته های مقاومت محلی برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و فرا روشی آن به قیام، فعلاً نمیشویم. باید برنامه عمل انقلابی پرولتاریا را وسیع کرد، میان توده ها تبلیغ و ترویج کنیم و مبارزات آنان را حول برنامه عمل سازمان دهیم. باید فعلاً نام از به هر زفتن نیروی مبارزاتی توده ها و به انحراف کشاندن شدن آن توسط نیروهای ضد انقلابی بکوشیم. جو بیارهای نوین بد نیال محال خروجی فوری هستند و اگر کانالهای سوسیال د مکرانیک را پیدا نکنند به درون کانالهای غیر سوسیال د مکرانیک خواهند خروشد (لنین، وطایف نوین و نیروهای نوین).

### یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱۰

بهمه دو کار فرماست که مالک عین یا منفعت آن و اخذ است... بد بنسان کارگر همچون برد منبروی کارش را میفروشد اما هرگونه اظهار نظری در امر تولید، همان تولیدی که خود در آن نقش اساسی در ادا و طلب شد فاسد و هرگونه آن کتسرل توده های آشکارا نقض گردیده است و سرمایه دار که مالک الرقاب کارخانه محسوب میشود میتواند حق شورا های فرمایشی و انجمنهای اسلامی را که از مشتی مزد و رژیم تشکیل میشوند طغی سازد.

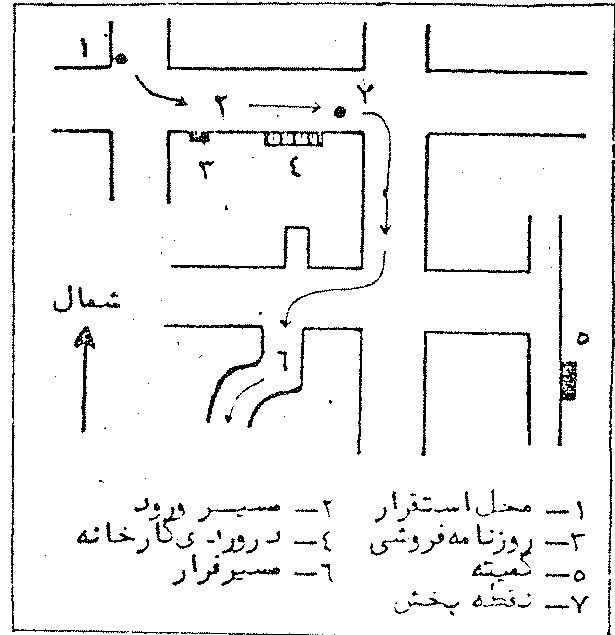
اماد ر هر صده کشاورزی نیز این لا بهماز مالکان و زمینداران بزرگ آشکارا حمایت میکند و دهقانان زحمتکش آشکارا مورد ستم و استثمار قرار میگیرند گرچه تاکنون نیز عملاً چنین بود است اما با اعلام این لا بهمه سرکوب کشاورزان زحمتکش شکل قانونی بخود میگیرد.

در ماده ۴۴ این لا بهحه آمد فاست: عوامل تولید کشاورزی مرکب از بهزر، زمین، کار و وسیله کشت... میباشیم که در این قانون نه تنها زمین از آن دهقانانی که روی آن کار میکنند نصیب شد بلکه حتی بشیوه ای ارتجاعی تر از قانون اصلاحات ارضی شاه به مسئله زمین برخورد شده است. به این ترتیب که دهقان نیروی کارش را میفروشد و بهر اساس نیروی کارش اجرت میگیرد. در تکمیل این بند یعنی بند ۷ میخوانیم: چنانچه

# خطاب به مبلغین

۸

به کروکی که توسط یکی از هسته های موتورنی تهیه شده توجه کنید :



توضیحات: کارگران از ساعت ۳ شروع به بیرون آمدن میکنند، عده کمی به سمت غرب و بقیه به سمت شرق میروند عده ای در جلوی روزنامه فروشی جمع میشوند. در محل بزرگایران تقریباً عابران پیاده نیستند و در محل مغازه بود که در آن وجود ندارد. در ساعت تعطیل کارخانه ها به آن کوچک و کم مدتی در چهارراه های و طرف وجود می آید اما با موتور میتوان عبور کرد. جلوی در یک نشیمن مسلح ایستاده است اما در آن نیست به نقطه ۷ کم است و به علت از دست دادن کارگران قادر به واکنش نیست. بهترین نقطه برای پخش محل ۷ و بهترین ساعت ۳/۰۵ میباشد.

رفقا باید وقت کنند که پخش از تصویب کروکی در هسته توسط مسئول باید آنرا موعود اجرا کنند.  
۲- بستن در و تازدن: تازدن باید بصورتی انجام شود که کمترین جاک را اشغال کند و در ضمن در موقع پخش خوب پخش شود و دستهای بر روی زمین نریزد. در مورد کارخانه اعلامیه معمولاً یک تا میخورند چون میتوان آنرا خوب به هوا پرتاب کرد عموماً اعلامیه های یک تا تازده میشود و گاه هم قرار می گیرند. بستن در و اهمیت خاصی برخوردار است اگر بسته بندی دقیق نباشد امکان مشکوک شدن و دستگیری قبل از پخش وجود دارد (مثلاً رفیق برای بردن اعلامیه به محل آنرا در پاکت و سپس در کیسه نایلون نهاد و به موتور او یزان کرده بود. در وسط راه نایلون پاره شد و اعلامیه ها بزمین ریخته میشود. البته رفیق توانست بعد از یک سال از محیط خارج شود) بستن در و بستن به شرایط مشخص دارد. اگر سیر این عمل را نگاه کنیم، ابتدا (در شرایط بعد از قیام) اعلامیه ها را در یک ساک

می گذاشتند و آزادانه حمل میکردند بعد از شروع دستگیریها آنها را در پاکت و سپس کیسه نایلون نهاد و حمل میکردند در شرایط فعلی باید آنرا تحت پوششی کاملاً توجه شده حمل نمود. بهترین نوع آن پنهان کردن اعلامیه در بدن میباشد. مثلاً یکی از فکارای پخش کارخانه ۸۰۰ تراکت را در بدنش جاسازی کرده بود.

۳- آماده گی هسته برای پخش: برای آماده شدن برای پخش موارد زیر باید دقیقاً اجرا گردد.  
- پاکت بنشین باید شود و حداقل تا نصف باشد در موقع پخش امکان تعقیب وجود دارد و اگر بنشین کم باشد احتمال دستگیری زیاد است. آینه های موتور تنظیم گردد تا حد اکثر استفاده از آنها بعمل آید (وجود آینه اجبار نیست) - ترمزها و کلاچها باز باید شود - رفقای تیم جیبهای خود را وارسی کنند که هیچ چیز در آری بهمراه نداشته باشند - کارت موتور حتماً همراه رفیق راننده باشد - قبل از پخش مسئول پخش تعیین میگردد (یکی از رفقای تیم) رفیق مسئول مسئولیت تمامی جزئیات پخش و نحوه اجرا را بر عهده دارد باید توجه داشته باشند که پخش دقیقاً از روی کروکی انجام شود. در حین پخش به مجرد بدین مورد مشکوک پخش را متوقف نمایند - انتخاب مسئول پخش برای سرعت در تصمیم گیریهای اضطراری است. از آنجا که رفیق راننده عموماً بیشتر بر محیط مسلط است عموماً مسئول پخش خواهد بود.

توجه: باید برای حضور در هر نقطه از مسیر توجیه مناسبی داشت تا در صورت بازرسی سطحی بتوان براحتی به سوالاتی چون اسم، آدرس، محل کار، از کجا می آیی، پاسخ داد.

در صورت آماده نبودن موارد بالا پخش نباید انجام شود.

مراحل پخش: ۱- رفتن به محل پخش: شیوه رفتن به محل پخش باید بصورتی باشد که خط سیر دستگیری را به حد اقل برساند. سیر این عمل در شرایط مختلف بعد از قیام بصورت زیر است. ابتدا هر دو رفیق سوار بر موتور میشوند اعلامیه ها را در وسط خود می گذاشتند و به محل میرفتند. پس از مدتی که افراد را در خیابان می گشتند اعلامیه ها را رفیق موتوری به محل پخش میرود و رفیق پیاده پاکت به محل پخش میرفت. در حال حاضر که احتمال مشکوک شدن به موتور خیلی بیشتر از پیاده است رفیق موتوری پاکت به محل پخش میرود و رفیق پیاده اعلامیه ها را در پخش مناسب به محل می آورد. قبل از حرکت رفقا قرار خود را که قبلاً مشخص شده برای هم تکرار میکنند و سپس به محل میروند.

۲- شناسایی نهایی و مستقر شدن در محل: رفیق راننده باید قبل از پخش محل فرار و منطقه را از نظر مسائل امنیتی چک کامل کند. اهمیت این امر اینست که اگر تغییرات ناگهانی در محل اتفاق افتاد (مثلاً در صفحه ۱)



# خطاب ...

بقیه از صفحه ۱۳

متوجه شوند (مثلا کندن یک خیابان که مسیر فرار است... ) رفیق را نند به هیچ وجه نباید به محل پخش زیاد نزدیک شود چون امکان دارد که اهالی منطقه یا نگهبانان کارخانه از روی مشخصات موتور متوجه حضور رفقا در محل شوند. رفیق پیاد و نیز از نزدیک محل پخش گذشته و صاع را کاملاً دست میگذارد. محل موردی بسود که میبایست که یکی پخش تعمیر اساسی نماید پخش قطع میشود (بودن مأموران یا موارد امنیتی که جای خود را دارند)

استقرار در محل نیز غایت مواردی ضروری است، بطور کلی این مرحله از پخش بسیار ظریف است و با کمترین اشتباهی نتایج پخش بهم میخورد بلکه خطر دستگیری ایجاد میشود. در مورد استقرار باید حتماً پخش مناسب برای بودن در محل داشت. استقرار میثبات و یا متحرک باشد. مستقر شدن پخش متحرک فقط هنگام پخش در سرویس و یا در پیر پخشهای متحرک مورد استفاده است. بدینصورت که در مسیری پخش صورت میگیرد هر دو رفیق جدا از هم حرکت کرده و با هم هد و سرویس مورد نظریهم نزدیک شده پس از سوار شدن رفیق پیاد پخش را شروع میکند. در مستقر شدن پخش میثبات باید قبل از محل پخش جای مناسبی را در نظر داشت و در یکی آنرا مشخص کرد هر دو رفیق در محلهایی که برای استقرارشان انتخاب شد میاتوجهیسات مناسب که بتوانند چند دقیقه باشد، می ایستند. رفیق موتور سوار میتواند موتور را خاموش کرد، و از آن گهی فاصله بگیرد و یا خود را در حال تعمیر آن نشان دهد. معمولاً رفیق پیاد و نیز بکتر از رفیق سوار به محل پخش قرار میگیرد سپس با علامتی که رفیق پیاد میدهد (مثل مرتب کردن مو) رفیق موتور سوار حرکت کرده و ایرا سوار میشوند و پخش شروع میشود.

۳- پخش پس از استقرار در محل وقتی که رفیق مسئول پخش تشخیص داد که بهترین موقع برای پخش است (حدوداً این موقعه مثلاً با فاصله و دقیقه در کردگی مشخص است اما زمان دقیق پخش را فقط در محل میتوان تعیین کرد) حرکت کرده و رفیق پیاد را سوار میکند، مسیر را طبق کروکی طمس میکنند و پس از پخش سریع به سرعت از محل خارج میشوند زمان سوار کردن رفیق پیاد و تا خروج از محل بیش از حد اکثریت دقیقه طول میکشد.

در موقع پخش موتور سوار با سرعت پیش میرود و دست در زمانی که رفیق غش میخواهد اعلامیه ها را پرتاب کند سرعت خود را کم کرده سپس دوباره سرعت را زیاد میکند. در این زمان باید از اینکه در فاصله خود را از پخش اشتباهی و تا در صورت تعقیب توسط مانعین و یا موتور از محل دور شود، رفیق غش باید توجه داشته باشد که در منطقه ای اعلامیه ها را پخش کند که حد اکثر جمع وجود دارد، در ضمن طوری آنها را پرتاب کند که حتماً بصورت پراکنده به روی زمین بریزد. زیرا اگر دسته دسته

ریخته شود امکان پاره شدن آنها توسط مزدوران وجود دارد.

مرحله بعد از پخش: پس از پخش باید به سرعت از کوچه ها و خیابانهای که قبل از ورود و خروج مشخص شد و قبل از پخش مورد بازرسی و و باره قرار گرفته از محل خارج شد. بعد از اینکه تصفیه ای در خارج از منطقه پخش انجام گرفت و از عدم تعقیب مطمئن شد بد از هم جدا شد و فراری برای یک عمارت و ساعت بعد در خارج از محیط برای اطمینان از سلامت یکدیگر بنظرهاد میشوند و رفیق نیز مسئول زمان سلامت سلامت مقرر برای اطلاع مسئول میگردد.

تصفیه بعد از پخش بسیار مهم است برای این عمل باید مسیری را انتخاب نمود که دارای زوایای پیروچی باشد (پیچ در پیچ) تا در عین اینکه احیاناً در صورت تعقیب بتوانیم زود بزود از تیررس مزدوران خارج شویم بعلاوه پیچ در بودن مسیر سریم از تعقیب نیز خبردار گردیم.

باید تاکید کرد پس از هر پخش حتماً باید علامت سلامت زد و شود و در صورت نبود علامت سلامت در میند مقرر مسئول هسته موظف است موارد امنیتی لازم را اجرا نماید.

پس از هر پخش رفقای هسته یک گزارش دقیق از رفت به محل، پخش و خروج از محل را تهیه کرده و با بروکی پخش مقایسه میکنند. سپس اشتکالات و اشتقادات پخش را در انتهای گزارش جمع بندی میکنند تا در عین انتقال به سایر رفقا در پخشهای بعدی استفاده نمایند. به نفعی از گزارش پخش در جلوی کارخانه که توسط یکی از هسته های موتور پی تهیه شده توجه کنید.

گزارش پخش کارخانه ...

روزه... محل... نوع اعلامیه ...

زمان پخش... ساعت ۲/۰۲ باید در محل حاضر میشدیم. رفیق اعلامیه ها را در یک تایلین که داخل آن لباس ریخته گذاشت و پیاد و یا اتوبوس به محل رفته. من با موتور به محل رفتم ساعت ۲/۰۲ به محل رسیدم. در دقیقه محل فرار و اطراف کارخانه بازرسی کردیم مورد مشکوکی ندیدیم. وقتی به محل استقرار رسیدیم رفیق نیز به محل رسید و مشغول خواندن روزنامه در جلوی در که روزنامه فروشی بود. کارگران کم گم

شروع به بیرون آمدن کردند. در این موقع به علت خروج سرویسهای کارخانه ترافیک کمی در سطح چهار راه شرقی بوجود آمد. یک دسته کارگر آمدند... انفریرون آمد و شروع به در شدن کردند در همین زمان من حرکت کرد و وقتی به رفیق رسیدم او منتظر بود و سوار شد و از جلوی درب کارخانه گذشتیم. نگهبان جلوی درب ایستاده بود و با کارگری صحبت میکرد. حدود بیست متر از جلوی کارخانه رد شدیم و من به رفیق گفتم حالا رفیق که پس از گذشتن از جلوی در شروع به بیرون آوردن اعلامیه ها از تایلین کرد و بعد آنها را به دو دسته تقسیم کرد و همچنان بر روی کارگران پخش کرد که تعدادی از آنها نیز در خیابان ریخت من پس از اطمینان از تمام شدن اعلامیه ها با سرعت تا سر چهار راه رفتم سپس بر است پیچید و از مسیر مقرر خارج شدیم. مساله غیر منتظره ای پیش نیامد پس از تصفیه از هم جدا شدیم.

از اعلامیه دارد

کارفرمای ۲ اخیر\* با این معیار، میتواند ضعف و سستی قلمداد شود و چون ۳ اخیر\* در جهت پرداخت افزایش شروت مستاجر\* قرار گیرد.

بر این اساس است که مستاجر در اجاره نامه ها شافها مدت کار\* و متوع کار\* را بر مبنای منافع خود میتواند مشخص کند. هرگاه اجاره کرد اجیر را در مدت\* یعنی به جهت عطلی پس ناچار است از معین کردن ضمیمه و عطلی که متوجه آن عمل میشود... یعنی از حیث جلدی و جابجایی ایشان

کند و سستی در عمل\* (پیش نویس، صفحه ۱۰). بدین طریق مدت کار\* و نوع کار\* در قاعده جمعی اسلامی معنای باید. مدت کار\* یعنی استعاری حد و مرز، از اول آفتاب تا غروب آن و یا بیشتر از آن بر حسب میزان اجاره، تا زمان هلاکت\* و متوع کار\* یعنی جلدی و جابجایی یا کندی و سستی، یعنی جان کندن بسیاری سرعت دادن کار با حد اکثر توانایی، که مرز این حد اکثر توانایی همانا هلاکت اجیر است در زیر فشار کار.

اگر معیار منافع طبقات انسان است، جهای که کارکودگان و پویانگان نیز بهره برداری شود. ضمیمه... میتواند اجیر خامی گردد زیرا ضمیمه انسان از اموال او بشمار نمی رود و مخصوصا درگاه کارگر عادی و معمولی نباشد (پیش نویس، صفحه ۴). و نیز نباید خدا طبر نشان ساخت که اجاره صغیر یا قبول

اجاره و متوسط ولی قهری یا ولسی تعیین شد بهار عایت غبطه صغیر جابز و صحیح است. در اینجا به جهت بر سر این نیست که کودکان اعلان باید بکار گرفته شوند، نمود بالله این سخن حرامی است، بلکه بحث بر سر این است که چه کسی باید اجاره دهد تا استثمار و حشمانه کودکان غیر شرعی نباشد.

موارد قابل بحث در شکل استثمار که در پیش نویس انعکاس یافته، بسیار است، اما همین مقدار کافی است که چگونه آنرا روشن نماید. فقط باید اضافه کنیم که با تمام این امتیازاتی که به مستاجر برای استثمار اجیران داده شده، ولی برای اینکه خدای ناکرده، هیچ روزنه ای باقی نمانده باشد که اجیر از آن در جهت کندی و سستی\* سوء استفاده نماید، مواد صفت و سختی را به منظور فسخ قرار داد، یعنی اخراج راحت وی در سر اجیر پیش بینی کرده اند. محور این مواد فسخ نمیتوانست بنفید در صفحه ۱۶

## قانون...

بقیه از صفحه ۳

شرط نکنند چنانچه او را به چیزی کسه اجرت او قرار داد اجاره دهد باید زمان ترنگیرد و اگر چیزی دیگر اجاره دهد میتواند زیاد ترنگیرد.

(توضیح المسائل خمینی، پیش نویس، صفحه ۲۰). بنا بر این صاحب کار میتواند ۳ اجیران خود را چون برده مشغول چیز دیگری اجاره دهد و مبلغ بیشتری را از این راه ببرد. در پیش نویس، برای اینکه هیچ شبهه و گمانی در مورد اختلافات بین علما و فتاوی آنها در باره ۳ اجیر و مستاجر باقی نماند باشد، از فتاوی مستند مراجع تقلید بهره بردار است. مثلاً در همین زمینه ذکر شده، در صفحات ۲۰ و ۲۱ پیش نویس از توضیح المسائل گلپایگانی و مرغشی نجفی نیز نقل قول شده، که چون همانند ده میباشد از ذکر تمامی آنها صرف نظر میکنیم، و فقط بخاطر نشان میسازیم که در این اختلاف و یاد ستیمندهی هم که بین مراجع تقلید وجود داشته باشد، اما در این نوع موارد، همه یک زبان و خالص و مخلصند.

آنجا که ۳ اجیر\* همانند شیشی یا حیوان، فقط در رابطه با منافع مستاجر\* بحساب می آید، به پیش است که نه تنها در زمان مشخص اجاره (مثلاً ۱ یا ۲ و یا هر چند ساعت که در اجاره قید شده)، بلکه خارج از آن هم بکنایه پرداخت در خدمت مستاجر قرار دارد. یعنی زندگی و درآمد کارفرما رقم میرند. وی نمیتواند به گونه ای زندگی کند (و یا در حقیقت مرگ در رجسی طاقت فرسا را بگذراند) که در روز بعد بهره دهی اش کاسته شده باشد. ۳ اجیر اگر برای مدتی تمام منافع خود را بد دیگری واگذارد، نمیتواند در آن مدت برای خود یاد دیگری... کاری انجام دهد مگر کارهایی که منافی با آن اجاره نباشد... همچنین اگر از اول آفتاب تا غروب آن برای انجام عطلی

اجیر شده میتواند شب را برای خود یا دیگری کار کند مگر اینکه کارهای شب یا مشغله روزانه موجب ضعف و سستی گردد\* (پیش نویس، صفحه ۲۰). اصلاً معیار منجش این ضعف و سستی چیست؟ جواب روشن است، حرص و ولع کارفرما برای استثمار هر چه شد بدتر و وحشیانه تر. و بدین ترتیب هر

تا هلاک. هرگاه کسی را اجیر را که از برای او عطلی بکند و بعد از گرفتن هلاک شود، صامن نیست زیرا اجاره صغیر باشد، حواء کبیر، حواء ازاد باشد و خواهند\* (به نقل از شرایع الاسلام، محقق حلی: پیش نویس، صفحه ۱۹). هلاک شدن در اجیر برای جمهوری اسلامی فقط تا آنجا مطرح است که ساله سود و زیان کارفرما مورد نظر باشد. به عبارت دیگر محور توضیح المسائل در باره "هلاک شدن اجیر" نفع کارفرما است. هرگاه کسی را اجیر کند که در خدمت او بهیزم از صحرای اویس وارد پس از آنکه منج خروار آورد، اجیر مرد... اجاره نیست بهاضی صحیح است و در باقی باطل میشود و مستاجر مستحق استرداد وجه اجاره میشود.

بست به باقی عمل مانده\* (جامع الثنات، پیش نویس، صفحه ۳۸). در جمهوری اسلامی مهم نیست که کارگر در زیر بار کار طاقت فرمائی که از طرف کارفرمایه وی تحمیل شده، ببرد این اندام نیست، نه تنها هیچ حقی به وی تعلقی نمیکرد (چرا که او املا حقی ندارد) بلکه کارفرما مستحق است که وجه اجاره را در مورد باقی مانده\* طلب کند.

خمینی در توضیح المسائل خود در همین موضوع را مطرح میکند، مضافاً اینکه برده داری را هم به نفع کارفرما شرعی میبازد. اگر اجاره کند کسی را و تلف شود پیش از قبض، باطل میشود اجاره و همچنین است حکم اگر تلف شود بعد از قبض.

لا فاصله. اما اگر بگذرد بعضی از مدت و بعد از آن تلف شود یا فسخ شود اجاره صحیح است آن مدت گذشته و باطل است در باقی و بر میگردد.

از اجرت بقدر زمانی که باقی مانده است\* (پیش نویس، صفحه ۱۹). ساله چنان آشکار است که جای هیچ تفسیری باقی نمیاند.

و تنی مقام انسان چنین نیست انگاشته شود، و فقط عمل او در رابطه با نفعی که به کارفرما میرسد، مطرح باشد، لا جرم اجیر چون هر شیئی میتواند برای ارفاضا نفع پرستی کارفرما در مدت بدست شود. معیار بهره دهی "اجیر" برای "طبقات انسان"

است. اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود انسان کار کند، نمیشود او را به دیگری اجاره داد و اگر

حزب روستای مضمون  
استخدام که تاکنون بیان کرده ایم، باشد  
و این چنین نیز هست. یعنی مملکت  
مستحق فسخ، همانا مملکت است و -  
زبان کارفرما است و لا غیر.

آنچه ما که تاکنون گفته ایم خلاصه  
کشم: بر طبق اجاره نامه ای (و یا  
شفاها) ۳ اجیر به زیر سلطه می قید و  
شرط مستاجر در می آید، که ساعات  
کار بر حسب عقد اجاره مشخص میشود،  
مثلا ۱۲، ۱۴، ۱۶ و یا هر چند  
ساعت که امکان داشته باشد، در این  
مورد هیچ ضابطه ای برای حد اکثر  
ساعات کار نمیتواند مستاجر را مقید  
کند. در طی ساعاتی هم که ۳ اجیر در  
خدمت مستقیم مستاجر نیست،  
نحوه زندگی او باید بصورتی باشد که  
در خلعت و عیال ۳ و تاشیری نگذرد.  
بیماری و بیکری ۳ ساعت زندگس  
۳ اجیر در خدمت مستاجر است.  
و این یک مثالند ۳ اجیر را همانند  
پرگان بد بگری نیز اداره کنند.  
مستاجر در مورد هلاک شدن ۳ اجیر  
زیر فشار کار ضابطه ای که ندارد، هیچ  
بلکه حتی مجاز به هر گرفتن آن مقدار  
اجیری است که در اثر هلاک شدن  
اجیر، باقی ماند، هست. مثلا اگر  
۳ اجیر برای ۱ ساعت اجاره شد و  
باقی ۲ اجیر از ۷ ساعت ۳ اجیر هلاک  
شود، مستاجر وجه مربوط به ۲  
ساعت باقی ماند را پس میدهد. شرایط  
کار هیچ قانون اجتماعی مشخصی  
ندارد. بلکه بستگی به هر اجاره خاص  
دارد. و بالاخره اینکه این نوع استثمار  
و تحمیل از طریق غیر انسانیها،  
مستغیران و غیر آن را هم در بر  
میگیرد. این چنین است بنشین حکومت  
مستغیران در مورد مستغیران،  
و تحمیل این مقدار که برود بحث  
را گرفت، بخشی از بنشین را  
شامل میشود و ما در مورد پرگان  
چون مستخدم و بیدهای اجتماعی  
و... نه پرداخته ایم.

حتی مقامهای اجتماعی از بنشین  
قانون کار (در همین محدوده ای که  
آنها بر می گردیم) با قانون کار فعلی  
(قانون کار شاهنشاهی) ارتباط  
ندارند. سیاستهای حکومت را در  
مورد مسائل کارگری و اجتماعی غریبان  
میکند. چند مورد از قانون کار فعلی:  
ساعات کار ۸ ساعت در روز ۴۸  
ساعت در هفته، نصف وقت مساوی  
آموزی جزء ساعات کار محسوب نمیشود  
و نمیتوان کار اضافی نمود،  
کارفرما را ساقط کند ساعات کار را در  
بعضی روزهای هفته کمتر از ۸ ساعت و  
در سایر روزها اضافه نماید بشرط آنکه  
از ۸ ساعت در روز ۴۸ ساعت در هفته  
تجاوز نکند، برای هر ساعت کار  
اضافی باید ۳۰٪ اضافه بر مزد  
پرداخت گردد. این قانونی که ۱۲  
سال است، کار اضافی برای کارگر

کمتر از ۱۶ سال ممنوع است ۳۰٪ راجع  
کارهای سخت و زبان آور و کار شب  
کار که کمتر از ۱۸ سال ممنوع است.  
آنچه که در قانون کار فعلی هست،  
بسیار عقب مانده تر از خواسته های  
است که کارگران از قبل از قیام تاجمال  
آنها مطالبه کردند و برای آن مبارزه  
کردند. کارگران با مبارزات خود و  
ارائه مطالبات خود، عمل نشان  
دادند که قانون کار فعلی نمیتواند  
متناسب با سطح رشد و خواسته های  
آنها باشد، و از این لحاظ این قانون  
فعلی ارتجاعی است و نفی آن در دستور  
کار مبارزاتی کارگران قرار دارد. اما،  
نفی کارگران یک نفی پیش رونده است،  
به این معنا که آنها میخواهند قوانینی  
انقلابی و مترقی را بجای قانون فعلی  
بنشانند. حال آنکه نفی قانون فعلی  
کار از سوی رژیم جمهوری اسلامی، یک  
نفی ارتجاعی است، به این معنا، که  
رژیم میخواهد آن دستاوردهای از  
مبارزات کارگران که به جامعه  
سرمایه داری تحمیل شده بود بگریز  
نهاد های جامعه محسوب میشود را  
در نفی کند و بزمانی برگردد که  
کارگران از هیچ حقوق اجتماعی بر -  
خور دارند.

کارگران، طی مبارزات تاریخی -  
جهانی خود بر علیه سرمایه، دستاوردهای  
را همچون حد اقل دستمزد،  
حد اکثر ساعات کار، حقوق رفاهی و  
اجتماعی، حق اجتماعات، تشکیل  
اعتصاب و غیره را بدست آورد و هر  
روز حقوق جدید تری را کسب میکنند.  
این دستاوردها، پس از تثبیت، دیگر  
جزء نهاد های جامعه سرمایه داری  
شده اند. اما رژیم جمهوری اسلامی،  
بدل آن خود، به یک سره، بر کلیه  
مبارزات و دستاوردهای تاریخی  
کارگران خط بطلان میکشد. در این  
راسته توکلی میکشد: ما بر میسدیم و  
مستند شدیم که قوانین اجاره و تفهیری  
نکرد، هست... رابطه کار و تفهیری  
بین یک نفر با هزار نفر دارد، نصف  
قرار دارد و روابط تفهیری نمیکند...  
روابط کار از آن وقت که حضرت علی  
برای یک پیروی کار میکرد و اجرت  
میکرفت با کارگری که الان در ایران -  
ناسیونال کار میکنند در ماهیت تفهیری  
نکرد، هست، فقط وسعت پیدا  
کرده است (کیهان ۱/۱/۱۱۱).  
حکومت مستضعفین، برای بیان  
افکار ارتجاعی خود و برای اینکه اجیر  
به اجیر بودن خود تحت سلطه  
آنها واقف شده و چون یک حکم  
الهی نجات بخش به آن تزلزل کند،  
هر نوع صف بندی طبقات و تضاد  
در صورت و فقر را منکر شده و تضاد  
اسلام و کفر را پیش میکشد. توکلی  
میکند: ما این دستمزدی ها و  
تحلیلهای طبقاتی را قبول نداریم و  
احکام الهی نجات بخش هستند،

# قانون...

پنجاه از صفحه ۱۵

این قانون از منابع اسلامی منطبق بر  
موازین اسلامی گرفته شده... این  
حرفها که میگویند این قانون بطرفداری  
از کارفرما است باید بتوانیم غنا و ملکت  
و کار فرماقت اینک که یک مرحله به کار -  
تحقق مراحل اسلام را ندارند آنها  
خیلی حرفها میزنند و بگویند که به  
غیظشان میزند. رشد اسلام اینست  
که کافر را غنیط آورد (همان).  
آری، بهام این قانون اینست که:  
آی اجیر، جان بکن، بپرد و بویسر،  
جز این گفتار است. اما کارگران با  
مقاومت و مبارزات انقلابی خود بر  
فرق جمهوری اسلامی خواهند پیوست.

# یادداشت های

بقیه از صفحه ۱۲

مالك بذر در بکار گیری سایر  
عامل تولید از شیوه اجاره استفاده  
کند تمام محصول از آن وی خواهد بود و  
هر یک از عوامل زمین و وسیله کشت و  
نیروی کار تنها اشتقاق خود را دارد  
... اینست سرمد از آن رژیم برای  
خالی نبودن عرصه و عوافر می ماند  
... رانیز گماند هاند که میبایست:  
کارگری که تنها مالك بذر است میتواند  
با اجاره زمین و وسیله کشت بکار تولید  
برای خود اقدام کند و اینست سرمد  
محمول از آن وی خواهد بود... و  
این در پیرواج غنایات و کرم رژیم است  
باید گفت که سرمد از آن رژیم از شدت  
هذیان گشتی به با و سرایش...  
زد هاند آنها بر داخت آماره زمین  
چیزی جز تحمیل محصول تولید شده با  
پول آن به زمیند اراست. و باین ترتیب  
ماده ۴۸ نیز مصادف با مالکیت  
زمیند از آن را تا بهید میکند سایر مساوات  
و بند ها و تبصره ها نیز مشخصه این است  
غنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد  
سرمایه داران و زمیند از آن است اصلا  
این لواحق و نظایر آن حتی اگر به  
تصویب مجلس نیز برسد کاری از پیش  
نخواهند برد بجز آن گسترده اقتصادی  
و تضاد های آشکار و پنهان جناحهای  
مستطف حاکمیت از یک سو و مفاوشت  
همه جانبه کارگران و خدمتگاران که  
میرود اشکال متشکل و سازمان یافته  
باید و بگری جانی برای اذیت سرمایه  
باقی نمیدارد. توده ها که به مایست  
ضد خلقی رژیم بخوبی پی برده اند  
هرگز اجازه اجرای چنین فرائض  
مردمی را به رژیم و حامیانش نمیدهند  
و با مبارزات همه جانبه خود آرزوهای  
طلائی رژیم را به گور خواهند سپرد.

حود بدست آورده اند، از آنها باز پرس گیرد. در اینجکلاکات کارگری سدی بود در مقابل این دست اندازی بورژوازی پس امتیازات کسب شده کارگران هر کجا که تشکیلات کارگری در بین کارگران از پایه های وسیع تر برخوردار بود و نیز خود را مستحکم نمود، می توانست این تهاجم بورژوازی را خنثی کرده و به حداقل قسمتی از دستاوردهای راکه در شرایط مساعد اقتصادی به چنگ آورد، می بود. حفظ نمایانم کارگران رفتم فرقه در این کشاکش، کارگران را فقط در مبارزات اقتصادی و در خواستهای محدود و نمایان در رخصت کارخانه ها، محدود نمایند، اما مبارزات حاصل از مبارزاتشان باید از ندها اهد بود. طبقه کارگر به تجربه آید، حتی که مبارزاتش نتواند محصورا در خواستهای صغری در محدود و کارخانه باشد. احتیاج شدن کار صورت عینی این امر ایجاد کرده و در صورت حریکات حاصل از مبارزات جدا گانه، کارگران را به این زمینه عینی باقی گردانید. مبارزات سیاسی طبقه کارگر آغاز شد. نهضت «جارتیسم» نهضتی از این شکل نوین مبارزاتی طبقه کارگر در انگلستان محسوب میشود. کارگران انگلیسی در این دوره، در صدر جنبشهای پیشان حق رای عمومی، مخفی و آشکار برای همه افراد و توریج برابر

## جنبش متناوب و متناوب

بقیه از صفحه ۱۸

جنبش از ترس سر اسیمه گشته و جرات بیرون آمدن از پایگاهها به نشان راندن داشتند، بطرف مقرهای آنان پیشروی کرد و با اسلحه مستقیم (آرمی جی و نارنجک انداز) بانک (روابط عمومی سپاه پاسداران) و مفرج شهباز را هم کوبیدند. در این عملیات قهرمانانه که طی آن ساعت شهر یوگان در کنترل پیشمرگان فدائی بود و بیست و شش چهل و پنج روز شهادت رفیق سمکو انجام گرفت و ۳۰ تن از سربازان رژیم کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. پیشمرگان پس از پایان عملیات پیروز شدند و خود بدون هیچ گونه آسیب و شکافی با نظم انقلابی و عفت نشینی کرده و به پایگاههای خود بازگشتند.

خلاصه ای از اطلاعاتی شاخصه کردستان سازمان در مورد اعداد ۴ مزدور (۶۱/۹/۷) در اردن و اردام سرکوب رژیم تصمیم دارد در اردام سرکوب

حوزه های انتخاباتی، مصونیت پارلمانی، کوتاه کردن دوره های قانون گذاری و غیره را عنوان نمودند. انگلیس میگوید: جارتیسم شکل یکپارچه فشرده مخالفت کارگران طبقه بورژوازی است. در مخالفت های اتحادیه های و رودر روشی ها، امروز بیون همیشه ضرورت باقی میماند: باید کارگر تنها بود که علیه سرمایه دار ضرورت میکنند و یا خشبائی از کارگران بودند که طبقه سرمایه دار ضرورت میکنند. اگر مبارزه همگانی میگشت، بندرت بواسطه قصد قبلی کارگران بود. ولی در جارتیسم، این کل طبقه کارگر است که علیه بورژوازی بر میخیزد و قبل از همه به قدرت سیاسی، به محصور فاعی قانون گذاری که بورژوازی برای حفظ خود به رودر خود کشیده است حمله میبرد (و صمیمیت طبقه کارگر در انگلیس) به بین ضریق، کارگران و طبی مبارزات خود، از مراحل ابتدائی مبارزه رودر به مبارزات مستقیم سیاسی کشانده شدند. طی این پروسه تکاملی، در هر گام، دستاوردهای بسیاری را ثبت کردند: عدم احترام به مالکیت خصوصی، بر وسایل تولید، لزوم مقاومت در جیممی، ایجاد انجمنهای مخفی در شرایط اختناق و ضرورت ایجاد تشکیلات گسترده کارگری، لزوم مبارزه سیاسی و... شناخت از نقش خود در سازمان اجتماعی کار.

جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران جنبش خلق کرد را که قهرمانانسه از آزاد و فاع میکنند بنام سازد و در این راه تمام تلاش خود را یکبار میبرد. جنایات این رژیم اگر برای مردم آگاه سراسر ایران غیر مفرقه و مشتمل کننده است، برای خلق مستکش کرد روشن است که این جنایات نه از روی قدرت و استحکام رژیم بلکه از ضعف و زبونی ساش ناشی میشود. خلقهای سراسر ایران میدانند که سرنگونی این رژیم اولین گام در جهت پایان دادن به فقر، سیه روزی، اختناق و فساد سیاسی و فرهنگی و ملی میباشد. پیشمرگان فدائی با این اعتقاد که قهر ضد انقلابی رژیم را باید با قهر انقلابی پاسخ داد و در هر حال و هر زمان در رحد توان خود ضربات کوبنده ای بر پیکر فرقت سرکوبگران و سزودران خمینی جنایتکار وارد نمودند. در این رابطه ۴ تن از مزدوران رژیم را که در جنایات مختلف شرکت مستقیم داشته و علی رغم هشدارهای بهایسی پیشمرگان (که از آنها میخواستند در اولین فرصت تسلیم شوند) به جنایات خود ادامه داد و سپس از دستگیری نیز علی رغم تلاش پیشمرگان، غیر قابل

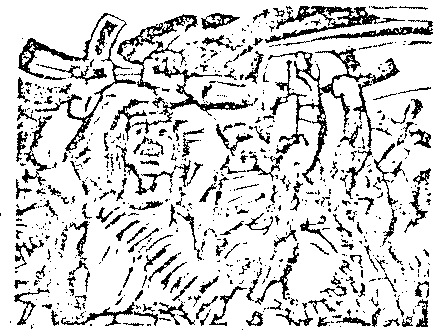
سیر تحولات... بقیه از صفحه ۷

کارگری طی این مدت به جلوه برداشته تا ایند رجعه عظیم است... اعتصابات سالیهای بود، تظاهرات، آگاهیه راهبراتب بیشتر نشان میدهند: در این دوره تقاضاهای مشخصی پیش کشیده میشود، از پیش لحظه مناسب در نظر گرفته میشود، وقایع و نمونه های معروف جا های دیگر مورد شور و فرام میگرد و غیره، هرگاه معصیا آنها صرفا قیام مردم مستکش بود، در عوض اعتصابات متوالی نطفه های مبارزه طبقاتی بودند، ولی فقط نطفه های آن... این گامی بس عظیم به جلوه است، باید از تمام دستاوردهای آن محافظت کرد و از تمام وقایع آن درس آموزی نمود. اما این پایان راه نیست، چرا که این اعتصابات بخودی خود هنوز مبارزه سوسیال و مکرراتیک نبود، بلکه مبارزه تر و بیرونی بود، این حسن علامت بود از شدن خصوصیت آشنی ناید بر کارگران و کارفرمایان بود، اما کارگران در ان موقع به تضاد آشنی ناید بری که بین متافع آنان و تمام رژیم سیاسی و اجتماعی معاصر موجود است آگاهی نداشتند و نمیتوانستند در اشتها شدند و مبارزات دیگر آنها آگاهی سوسیال و مکرراتیک نداشتند (لنین، چه باید کرد).

اصلاح تشخص و اد هشدند به اهدام انقلابی محکوم گردیدند. اساسی این مزدوران بهر از بر است: ۱- محمد محمدی فرمانده گروهان ۴ سپاه پاسداران پایگاه آخر - این مزدور طبق اعترافات خود علاوه بر شرکت فعال در سرکوب خلق قهرمان کرد، در چندین جوخه اعدا انقلابیون شرکت مستقیم داشته و نیز در صدد فعالیت خود چندین نفر از انقلابیون تها و زخمی و است ۲- امیر بد خشان ۳- عیدی فتاحی ۴- محمد رضا فیض آرا - علاوه بر نفراول که یکی از عناصر فعال سپاه پاسداران بود و از افراد منفور شهرستان نابل میباشد، سه نفر دیگر نیز فعالان در سرکوب خلق قهرمان کرد شرکت مستقیم داشته اند. لازم به تذکر است که برای سپاه پاسداران محمد علی محمدی به قدری اهمیت داشت که چند نقشه فرار برای وی ترتیب داده بود و در رصد و بودند توسط گاشهای مزدور مخفی به مرحله اجرا بگذاردند که با هوشیاری پیشمرگان قهرمان فدائی خنثی شد.

## تشیق نقیبین سر نوشت، حق مسلم خلقهاست

## جنبش مقاومت خلق کرد



شنبه ۲/۱۶ تا دوشنبه ۲/۱۸ -  
سرمایه و حاشیه‌ها با مراجعه به ده  
خانواد که فرزندان ایشان پیشمرگ جنبش  
مقاومت بودند و این راه‌نماییها  
شد و انداخته، آنها را به همراه اسباب  
و وسایلی که از خانه‌ها ایشان غارت کرده  
بودند، به وسیله زبل‌های ارتشی به  
بارگان شهر منتقل می‌کنند. بنا به  
اطلاعی این عمل را بحالت تبعید به شهر  
هم منتقل کرده‌اند. رژیم مدتی پیش  
تلاش را برای سرکشی سیاستهای ضد انقلابی  
خود را به تعدادی از خانواده‌های ده‌های سفلی  
را به قول شهرت این تبعید کرده  
بود. آنها هم اکنون در آنجا همانند  
زندانی‌ها هستند و نمیتوانند با کمیسر  
صمیمت کنند. بهنگام بیرون آمدن از  
محور مسکونت میبایستی با پاسداران  
خارج شوند و گرنه حق رفتن به جایی را  
ندارند. یکی از فرزندان مبارز یکی از  
این خانواده‌ها اخیراً از دست مردوران  
رژیم گریخته و به جنبش مقاومت خلعتی  
گردد پیوسته است. رژیم قصد دارد تا  
سیاست تبعید خانواده‌ها را بر سر منند  
هم اجرا کرد و در صفوف و یگان‌ها  
دهد.

در تاریخ ۲۱/۲/۶۱ ساعت ۷  
به دستور چند دستیار پیشمرگان  
سازمان، بهنام ست چهل روز شهرت  
پیشمرگ قهرمان رفیق مسکو وارد شهر  
برگان شد و قسمتهای وسیع از مناطق  
مرکزی شهر را به کنترل خود درآورد و  
به کمین مزدوران نشاند. آنها  
همچنین اطراف چند مقر مزدوران را  
را به محاصره درآوردند. پیشمرگان  
فدائی پس از چند ساعت  
درگیری با جلاوران رژیم، سخنرانی  
و شعار دادن و تبارع مواضع انقلابی  
سازمان برای مردم مبارز و یگان‌ها  
چون دشمنان بقیه در صفحه ۱۲

## یادداشت‌های سیاسی...



### لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی تضمینی برای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ

فارتگر عیان سازد. تنظیم لایحه  
حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش  
خصوصی که تصویب شورای عالی  
اقتصاد و هیات دولت رسیده است.  
از جمله این گوشه‌هاست. بخش  
خصوصی عمدتاً همان سرمایه‌داران  
و مالکین غارتگری هستند که درجه‌های  
بخش و وقتی کارگران و دهقانان  
و سایر زحمتکشان را در سایه قوانین کار  
طالعات و زمینهای ضد خلقی به چهار  
میخ می‌کشند. کیست که نداند  
کلان‌ترین سرمایه‌داران و زمینداران  
تحت همین عنوان بخش خصوصی  
فعالیت می‌کنند و سرمداران رژیم با  
شرح عبارت دهان پرکن بخش خصوصی  
تنها چهره این غارتگران را بزرگ می‌کنند.

در آغاز این لایحه چنین مشاهده  
میشود: ماده ۳- عوامل تولید در  
صنعت بشمار زیر است: ۱- نیروی  
انسانی ۲- ابزار تولید ۳- مواد  
اولیه ۴- زمین و تأسیسات  
ساختاری بدین ترتیب از هم جدا  
ایند و قبلاً همان فرمولی بود که  
گرفته می‌شد که قرن است سرمایه‌داران  
و اقتصاددانان مدافع آنان بعنوان  
عوامل تولید برای پنهان کردن خطرات  
استثمار و روابط طالعات سرمایه‌داری  
عنوان نموده‌اند. سپس اضافه می‌شود:  
نیروی انسانی کارگر تنها استحقاقی  
در یافت اجرت نقدی یا جنسی بر طبق  
قرارداد شده دارد و در مورد و  
زبان یا محصول واحد تولیدی سهم  
نخواهد داشت... بدینسان  
غارتگری سرمایه‌داران مبارز و فانی  
است و طبعاً مبارزات کارگران برای  
افزایش دستمزدها و شروع ضد خلقی  
اما دافع بی‌شرمانه از سرمایه‌داران به  
همینجا خاتمه نمی‌یابد... تعیین  
حقوقی مدبریت واحد تولیدی به‌پسند  
کارفرما است که مالک عین یا منفعت  
آن واحد است... بدینگونه این  
لایحه را باید تضمین ده جانمایی به  
غارتگران برای مقابله با مبارزات کارگران  
به منظور تشکیل شوراهای کنترل کارگری  
دانست. سرمایه‌داران در مبارزه  
همین‌بند همه و هرگونه تعدی بکارگران  
را تحت عنوان بنده در صفحه ۱۰

لا یحه حدود و شیوه فعالیت  
تولیدی بخش خصوصی مصوبه  
شورای عالی اقتصاد و هیات دولت  
برده می‌دهد از سیاست اقتصادی  
رژیم در دفاع از سرمایه‌داران و  
زمینداران را به‌نکته گذارد.

مدتها بود که از گوشه و کنار سر و  
صدای سرمایه‌داران و مالکان بگوش  
میرسد که انقلاب موجب از بین رفتن  
امنیت مالکیت گردد و است. بسیاری  
از سرمداران رژیم نیز عدم وجود  
امنیت کافی برای سرمایه‌گذار بهای  
صنعتی و کشاورزی را دلیل وضعیت  
ناسالمان رژیم حاکم قلمداد می‌نمودند.  
سرمایه‌داران را الوضعت که سالهاست  
شیرجهان کارگران و زحمتکشان این  
آب و خاک را می‌کشد و انداخته از  
مشخص نمودن قوانین کار و حدود  
اختیارات کارفرما دم می‌زدند و در این  
میان نیز روزی تا ده‌های رژیم هرچند  
گاه به بار ضرورت ایجاد نظم مناسب  
سرمایه‌داران سخن می‌راندند.

در این تمامی این جنبه‌های  
تاریخی، رژیم جمهوری اسلامی به  
شاید مدافع سرمایه‌داران و زمینداران  
با سرکوب و ضرب و شتم توده‌های  
زحمتکش که برای بدست آوردن حقوق  
خود در مشورهای کارگری و دهقانان  
کارمندی و غیره متشکل شده‌اند و زمینه  
غارتگری بیشتر سرمایه‌داران را فراهم  
می‌آورد و اصلاح مدافع نظم کمین  
و پیسده‌های بود که انقلاب ارگان‌ها  
مترکیز نموده. اما بدلیل مبارزات  
کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان  
رژیم از بیان علنی حمایت خویش از  
سرمایه‌داران پرهمیز می‌کند. این  
وضعیت نمیتوانست تداوم یابد زیرا  
بحران اقتصاد و افزایش نارضایتی  
توده‌های مردم رژیم را ناچار به ساخت  
از یکسو برای کاهش ابعاد اجباری  
نارضایتی و بحران اقتصاد سرمایه‌دار  
داران را به کمک تولید و ازسوی دیگر  
با وضع قوانین هرچه ضد خلقی‌تر  
امنیت سرمایه‌داران و مالکین را تضمین  
نماید و بدینسان چهره خویش را به  
تمامی بعنوان مدافع سرمایه‌داران

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - سال چهارم - شماره ۱۶۱ - صفحه ۱۸